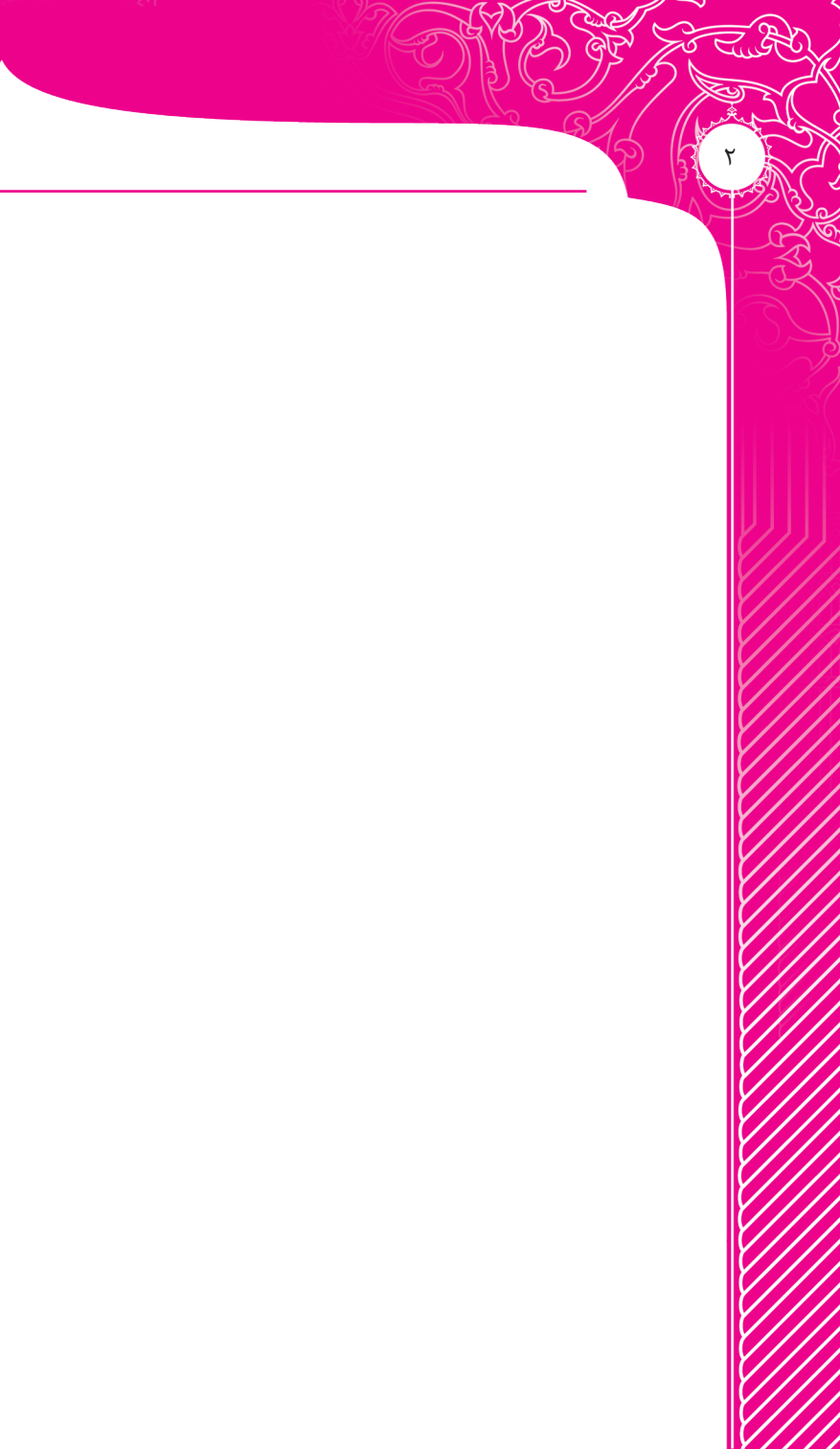


بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



۳۴  
فقه و  
زندگی

# اغذیه فروشان

سید جعفر ربانی



قم خیابان مصلاى قدس پلاک ۶۸۲  
صندوق پستی ۱۵۸ ۳۷۱۶۵  
تلفن ۴۱ - ۳۲۹۳۹۱۴۰

فقه و زندگی (۳۴) اغذیه فروشان	نام کتاب
سیدجعفر ربانی	تدوین
نشر معروف - قم	ناشر
نگارش - قم	چاپ
اول - ۱۳۹۴	نوبت چاپ
۳۰۰۰	تیراژ
۹۷۸۶۰۰۶۶۱۲۳۳۱	شابک
۲۸۰۰۰	قیمت

سرشناسه	: ربانی، سیدجعفر، ۱۳۵۲-
عنوان و نام پدیدآور	: اغذیه فروشان
مشخصات نشر	: قم: معروف، ۱۳۹۴.
مشخصات ظاهری	: ۱۲۰ ص. ۱۹×۹/۵ س.م.
فروست	: فقه و زندگی؛ ۳۴.
شابک	: ۲۸۰۰۰ ریال ۹۷۸۶۰۰۶۶۱۲۳۳۱
وضعیت فهرست نویسی	: فیپای مختصر
یادداشت	: فهرست نویسی کامل این اثر در نشانی: <a href="http://opac.nlai.ir">http://opac.nlai.ir</a>
شماره کتابشناسی ملی	: قابل دسترسی است ۳۷۸۶۸۸۱



به سفارش:  
ستاد احیای امر به معروف و نهی از منکر  
و پژوهشکده امر به معروف و نهی از منکر



## فهرست مطالب

- سخن پژوهشگرده ..... ۱۱
- مقدمه مؤلف ..... ۱۷

### بخش اول: احکام مواد غذایی

۱. اصل حیّیت ..... ۲۳
۲. مواد غذایی داخلی و خارجی ..... ۲۴
۳. نجس شدن مواد غذایی ..... ۲۵
- الف) تعداد نجاسات ..... ۲۶
- ب) موارد جواز ..... ۲۹
- ج) چیزهای غیر قابل تطهیر ..... ۲۹
- د) خبایث ..... ۳۲
۱. غذای آلوده ..... ۳۳
۲. مواد غذایی فاسد ..... ۳۴
۵. تشخیص بهداشت ..... ۳۵
- امور قابل توجه خدمتگذاران بهداشت ..... ۳۵

- ۳۷..... ۶. حیوانات حرام گوشت
- ۳۷..... حیوانات خشکی
- ۳۸..... حیوانات آبی
- ۳۹..... پرندگان
- ۴۰..... شیر و تخم حیوانات
- ۴۱..... ۷. حرام شدن حلال گوشت
- ۴۱..... ۱. مُردن حیوان
- ۴۱..... ۲. نجاست خوار شدن
- ۴۱..... ۳. عدم ذبح شرعی
- ۴۲..... ۴. وطی
- ۴۳..... ۵. شکار در حال احرام
- ۴۳..... ۶. شکار غیر شرعی
- ۴۴..... ۷. اجزای حیوانات
- ۴۵..... ۹. مسکرات
- ۴۷..... ۱۰. منع حاکم شرع

### بخش دوم: طبخ

- ۵۳..... ۱. حکم تأثیر آتش
- ۵۴..... ۲. جوش آمدن انگور و آب آن
- ۵۷..... ۳. خام خواری
- ۵۸..... ۴. غذای سوخته
- ۵۹..... ۵. خوردن ماهی زنده
- ۶۰..... ۶. طبخ در حال حیات
- ۶۰..... ۷. اسراف
- ۶۴..... ۸. آزار و اذیت

۹. رعایت بهداشت ..... ۶۵
۱۰. رعایت طهارت و نجاست ..... ۶۷
۱۱. پرداخت قبض ..... ۶۸
۱۲. سفارش طبخ ..... ۶۹

### بخش سوم: فروش

۱. آشنایی با احکام ..... ۷۳
۲. عمل به احکام ..... ۷۵
۳. غذای حرام ..... ۷۶
۴. ماه مبارک رمضان ..... ۷۶
۵. معامله با کودکان ..... ۷۷
۶. معامله با دیوانه ..... ۷۷
۷. اختلاط زن و مرد ..... ۷۸
۸. شوخی با نامحرم ..... ۷۹
۹. کم فروشی ..... ۸۱
۱۰. گران فروشی ..... ۸۲
۱۱. فاسد بودن غذا ..... ۸۳
۱۲. مستحبات فروش ..... ۸۴

### بخش چهارم: مشتریان

۱. شک در حلیّت ..... ۸۹
۲. شک در دین ..... ۹۱
- الف) مملکت اسلامی ..... ۹۲
- ب) مملکت کفر ..... ۹۳
۳. اطلاع رسانی ..... ۹۳

۴. سفارش غذا ..... ۹۵
۵. وارد کردن خسارت ..... ۹۵
۶. آداب خوردن و آشامیدن ..... ۹۶
- مستحبات خوردن و آشامیدن ..... ۹۷
- مکروهات خوردن و آشامیدن ..... ۹۹
- مستحبات آشامیدن آب ..... ۱۰۰
- مکروهات آشامیدن آب ..... ۱۰۰

### بخش پنجم: روایات آداب خوردن و آشامیدن

- مقدمه ..... ۱۰۳
۱. نکات طیبی ..... ۱۰۵
۲. ضررهای پرخوری ..... ۱۰۶
۳. دوازده نکته در خوردن ..... ۱۰۶
- چهار مورد از واجبات خوردن ..... ۱۰۷
- چهار مورد از سنت های خوردن ..... ۱۰۷
- چهار مورد از آداب خوردن ..... ۱۰۸
۴. سبزیجات ..... ۱۰۸
۵. احترام نان ..... ۱۰۹
- الف) قرار نگرفتن نان زیر ظرف غذا ..... ۱۰۹
- ب) عدم انتظار با آمدن نان ..... ۱۰۹
- ج) قطع نکردن نان با چاقو ..... ۱۰۹
- د) دور نریختن نان ..... ۱۱۰
۶. جمع کردن غذای روی زمین ..... ۱۱۲
۷. نان جو ..... ۱۱۲
۸. منع تکیه دادن هنگام خوردن غذا ..... ۱۱۳



۹. منع حضور بر سفره شراب ..... ۱۱۳
۱۰. اجابت دعوت مؤمن ..... ۱۱۴
۱۱. حضور بر طعام بدون دعوت ..... ۱۱۴
۱۲. ترک خوراکی‌های بو دار ..... ۱۱۵
۱۳. خلال کردن و مسواک زدن ..... ۱۱۵
- فهرست منابع ..... ۱۱۷



بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

### سخن پژوهشکده

فقه و زندگی و سبک زندگی اسلامی

اسلامی شدن زندگی اجتماعی سه گام دارد:

۱. شناخت معروف و منکر در فعالیت های فردی و روابط انسان و خداوند عزّوجلّ.
  ۲. شناخت معروف و منکر در حوزه روابط اجتماعی و معاملات اقتصادی.
  ۳. شناخت معروف و منکر در روابط دولت و ملت.
- در گام اول فعالیت های فقهی، اخلاقی پژوهش های اخلاق مدار فراوانی توسط عالمان و محققان پدید آمده و اصلاح و تقویت روابط عبادی، عقیدتی و معرفتی انسان با

خداوند متعال را مورد توجه قرار داده است. گام دوم یعنی شناخت معروف و منکر در روابط اجتماعی و معاملات اقتصادی، کاری است که با وجود برخی از آثار علمی و پژوهشهای ارزشمند با نگاه تخصصی به هر صنف مورد توجه قرار نگرفته است. سلسله کتابهای «فقه و زندگی» به پژوهش و نگارش در حوزه اصناف خاص توجه دارد و بایدها و نبایدهای فقهی و اخلاقی و آداب اسلامی هر اتحادیه صنفی و دست اندرکاران مشاغل مختلف تولیدی، توزیعی، و خدماتی را محور پژوهش و نگارش و اطلاع رسانی خویش می داند.

گام سوم در شناخت معروف و منکر به روابط مردم و حکومت‌ها اختصاص دارد، اسلامی شدن روابط دولت و ملت بالاترین گام به سوی رضای خداوند متعال محسوب می شود و در سایه پیروی از رهبری الهی و تسلیم دولت و ملت در برابر قوانین قرآن و عترت امکان پذیر است.

در حدود سال‌های ۱۳۷۲ ش با آغاز فعالیت‌های ستاد احیای امر به معروف و نهی از منکر طرح پژوهشی «فقه و زندگی» توسط جناب حجت الاسلام والمسلمین حاج شیخ محمد حسین فلاح زاده، در پژوهشکده باقرالعموم علیه السلام قم، پی ریزی شد. هدف طرح، تألیف و تدوین مجموعه کتابهایی در زمینه آداب و احکام اسلامی برای اصناف

و مشاغل گوناگون اقتصادی و بازاریان کشور بود. با هماهنگی این دو نهاد فرهنگی تألیف حدود بیست جلد از این مجموعه در سال‌های آغاز کمک خوبی به بازاریان متدین در زمینه شناخت احکام شرعی و حلال و حرام مشاغل بشمار می‌رفت. اما مثل بسیاری دیگر از طرح‌ها این کار هم بخاطر مشکلاتی که پیش آمد، ناتمام ماند و در زمینه‌ی احکام فقهی بسیاری اصناف اثری فراهم نیامد.

ضرورت اسلامی شدن بازار، علاقه‌ی بسیاری از کسبه‌ی محترم در بخش‌های تولید و توزیع و خدمات و پیگیری دبیر محترم ستاد احیاء حجة الاسلام والمسلمین زرگردام عزه‌العالی سبب احیای مجدد این طرح پژوهشی کاربردی در سال ۱۳۹۳ ش شد و تألیف و تدوین کتبی دیگر در زمینه فقه اصناف در دستور کار پژوهشکده امر به معروف و نهی از منکر قرار گرفت.

در سال‌های آغازین، این پژوهش‌ها با هدایت و حمایت ستاد و نظارت علمی و فقهی برادران گرامی حجج اسلام محمد حسین فلاح زاده و محمود مهدی پور شکل گرفت و بیست و چند دفتر از آن فراهم آمد. اینک بار دیگر پس از حدود چهارده سال، این کار ناتمام و بر زمین مانده به توفیق الهی و یاری همان دو برادر و همکاری گروهی

از فضیله‌ی حوزه علمیه قم در پژوهش‌شکده امر به معروف پیگیری می‌شود.

همیشه اصناف محترم و صاحبان مشاغل در انجام وظیفه خود نیاز به احکام و قوانین الهی دارند و لازم است معروف و منکرات صنفی را بشناسند. تحولات صنفی و دگرگونی‌ها در حوزه کسب و کار سبب می‌شود که احکام براساس نیازهای روز مورد بازنگری فقهی و علمی قرار گیرد و تفقه و اجتهاد جدید ضرورت یابد. از این رو بار دیگر با استفاده از فتاوی مراجع بزرگوار تقلید و قوانین مصوب شورای نگهبان موضوعات کار نشده در برنامه پژوهشی قرار گرفت و بیست اثر جدید تحقیق و تولید شد. عناوین پژوهش‌های سال ۱۳۹۳ ش بدین شرح است:

۱. احکام صنف طلا و جواهر
۲. احکام تلفن همراه
۳. احکام بازی‌های رایانه‌ای
۴. احکام صنف اتوبوس رانی
۵. احکام صنف فرش و تابلو فرش
۶. احکام صنف کیف و کفش (سراجان)
۷. احکام صنف ماهی فروشان
۸. احکام صنف ناشران
۹. احکام صنف پوشاک

۱۰. احکام صنف نانویان
۱۱. احکام صنف اینترنت و رایانه
۱۲. احکام صنف پرندگان و پرنده فروشان
۱۳. احکام صنف اغذیه فروشان
۱۴. احکام صنف پارک‌ها
۱۵. احکام عمومی کسب و کار
۱۶. احکام صنف قهوه‌خانه‌ها
۱۷. احکام صنف الکتریکی
۱۸. احکام صنف داروخانه‌ها
۱۹. احکام صنف صوتی و تصویری
۲۰. احکام بیمه‌ها

این دفتر از فقه و زندگی که با تلاش برادر گرامی حجت الاسلام جناب حاج سید جعفر ربّانی پدید آمده به احکام اغذیه فروشان اختصاص یافته است و امیدواریم محققان و بازاریان محترم با ارائه تجارب و مسائل شرعی خویش ما را در تکمیل این اثر یاری کنند.

با درخواست توفیق از خداوند دانا و توانا و یاری محققان حوزوی و همراهی اصناف کشور، بسیج اصناف و مسئولان ستادهای امر به معروف، می‌توان به سوی اسلامی شدن بازار، آرامش روانی جامعه، کاهش جرم و تخلفات اقتصادی و کسب رضای حضرت حق گام‌هایی

بلندتر برداشت.

امیدواریم با شناخت احکام الهی در تمام بخش‌ها و اجرای آن در زندگی فردی و اجتماعی و در سایه فقه ناب اسلامی و با هدایت حضرت بقیه الله عجل الله تعالی فرجه الشریف، توحید و عدالت در سراسر حاکم گردد. ان شاء الله.

قم پژوهشکده امر به معروف و نهی از منکر

خیابان سمیه کوچه ۱۲ پلاک ۳۵۵

Al-adl.ir

info@al-adl.ir



## مقدمه مؤلف

خداوند متعال می‌فرماید:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُلُوا مِن طَيِّبَاتِ مَا رَزَقْنَاكُمْ  
وَاشْكُرُوا لِلَّهِ إِنَّ كُنتُمْ إِيَّاهُ تَعْبُدُونَ﴾؛ (ای کسانی که  
ایمان آورده‌اید! از نعمت‌های پاکیزه‌ای که به شما روزی  
داده‌ایم، بخورید و شکر خدا را به جای آورید؛ اگر او را  
پرستش می‌کنید).

و فرمود:

﴿يَا بَنِي آدَمَ خُذُوا زِينَتَكُمْ عِنْدَ كُلِّ مَسْجِدٍ وَكُلُوا وَ  
اشْرَبُوا وَلَا تُسْرِفُوا إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ﴾؛ (ای فرزندان

۱. بقره/ ۱۷۲.

۲. اعراف/ ۳۱.

آدم! زینت خود را به هنگام رفتن به مسجد با خود بردارید! و (از نعمت های الهی) بخورید و بیاشامید؛ ولی اسراف نکنید، که خداوند مسرفان را دوست نمی دارد).

برخورداری از نعمت های خداوندی و خوردنی های لذیذ، به خصوص برای مؤمنان، مورد تأکید قرآن مجید و روایات معصومین علیهم السلام قرار گرفته است. خداوند می فرماید:

﴿قُلْ مَنْ حَرَّمَ زِينَةَ اللَّهِ الَّتِي أَخْرَجَ لِعِبَادِهِ وَ الطَّيِّبَاتِ مِنَ الرِّزْقِ قُلْ هِيَ لِلَّذِينَ آمَنُوا فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا خَالِصَةً يَوْمَ الْقِيَامَةِ كَذَلِكَ نُفَصِّلُ الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ﴾؛ [ای پیامبر!] بگو: چه کسی زینت های الهی را که برای بندگان خود آفریده، و روزی های پاکیزه را حرام کرده است؟! بگو: اینها در زندگی دنیا، برای کسانی است که ایمان آورده اند؛ [اگرچه دیگران نیز با آنها مشارکت دارند؛ ولی] در قیامت، خالص [برای مؤمنان] خواهد بود. این گونه آیات (خود) را برای کسانی که آگاه اند، شرح می دهیم!<sup>۲</sup>

خداوند از جناب مریم علیها السلام در محراب عبادت با «خوراکی های بهشتی» پذیرایی نموده «اغذیه بهشتی» را برای او از آسمان ارسال می فرماید:

۱. همان / ۳۲.

۲. برگرفته از ترجمه آیت الله مکارم.

كُلَّمَا دَخَلَ عَلَيْهَا زَكَرِيَّا الْمِحْرَابَ وَجَدَ عِنْدَهَا رِزْقًا قَالَ  
يَا مَرْيَمُ أَنَّى لَكَ هَذَا قَالَتْ هُوَ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يَرْزُقُ مَنْ  
يَشَاءُ بِغَيْرِ حِسَابٍ؛ (هر زمان زکریا عَلَيْهِ السَّلَام وارد محراب [مریم]  
می شد، غذای مخصوصی در آنجا می دید. از او پرسید:  
ای مریم! این را از کجا آورده ای؟! مریم گفت: این از سوی  
خداست؛ خداوند به هر کس بخواهد، بی حساب روزی  
می دهد).

«غذا» جزء لاینفک زندگی بشر و عنصر حیات مادی او  
را تشکیل می دهد؛ ولی در آیات و روایات برای آن احکامی  
بیان شده است که فقهای بزرگوار در رساله های عملیه  
خود آنها را ذکر کرده اند و حتی اهمیت این احکام تا بدان  
حد است که بخشی از فقه را به «کتاب الاطعمه و الاشربة»  
اختصاص داده اند.

براین اساس لازم است «احکام صنف اغذیه فروشان»  
را به شاغلین در این صنف ارائه نماییم، البته مخاطب ما  
در این مجموعه عبارت است از:

\* تولیدکنندگان مواد غذایی؛

\* اغذیه فروشان؛

\* مشتریان و مصرف کنندگان؛

\* آشپزها؛

\* تمام کسانی که به نوعی با مواد غذایی سرو کار دارند، مانند پخش کنندگان و...

بخش اول

# احکام مواد غذایی



شروع کار تولیدکنندگان در هر صنفی، با جمع‌آوری «مواد اولیه» است، پس نکاتی را در این زمینه اشاره می‌کنیم:

### ۱. اصل حَلَّیْت

اصل اولی در تمام مواد غذایی «حَلَّیْت» و مجاز بودن آن است. تمام فقها بر اینکه «تا یقین به حرام بودن چیزی حاصل نشود، آن شیء حلال خواهد بود» اتفاق نظر دارند. این قانون برگرفته از روایات معصومین علیهم‌السلام است، از جمله امام صادق علیه‌السلام فرمودند:

«كُلُّ شَيْءٍ هُوَ لَكَ حَلَالٌ حَتَّى تَعْلَمَ أَنَّهُ حَرَامٌ بِعَيْنِهِ فَتَدَعَهُ

مِنْ قَبْلِ نَفْسِكَ»<sup>۱</sup> (هر چیزی برای تو حلال است، مگر آنکه یقین به حرمتش پیدا کنی، که در این صورت باید آن را ترک نمایی).

۱. کافی، ج ۵، ص ۳۱۳.

بنابراین، قانون و اصل اولی در مواد غذایی، حلال بودن آنهاست و موارد حرمت که در کتب فقهی و نیز در این مجموعه بدان اشاره می‌گردد، استثنائات و تبصره‌ها بر این قانون کلی محسوب می‌شوند.

قاعدۀ «کلّ شیء لک حلال، حتّی تعلم أنّه حرام» که از آن به اختصار به «اصل حلیّت» تعبیر می‌گردد، از قوانین مسلم فقهی به شمار می‌رود که برخی از فقها پیرامون آن رساله‌ای مستقل نگاشته‌اند.

## ۲. مواد غذایی داخلی و خارجی

برخی از مواد غذایی از مملکت کُفّار<sup>۱</sup> وارد می‌گردند. یکی از سؤالاتی که به طور طبیعی مطرح می‌شود این است که: آیا استفاده از مواد غذایی وارده از کشورهای کُفر جایز است یا خیر؟

ج: بین مواد داخلی و خارجی فرقی نیست و استفاده از تمام آنها شرعاً جایز است، به سه شرط:  
الف) چیز نجس در آنها وجود نداشته و نیز به نجس برخورد نکرده باشد؛

ب) آن مواد غذایی از اعضای بدن حیوانات نباشد؛  
ج) در استفاده از آن مواد غذایی، مجتهد جامع

۱. مقصود این است که مردم آن سرزمین کافر هستند، اعم از اینکه دولت آنها هم کافر باشد یا نه.



الشرايط «حکم به منع» نداده باشد. اعم از اینکه ممنوعیت آن به دلیل جلوگیری از تقویت دولت کفر باشد و یا هر مفسدهٔ دیگر. در مورد هریک از این سه موضوع به طور مفصل بحث خواهیم کرد.

بنابراین، استفاده از خوراکی های محصول خارج نیز با همان سه شرط اشکال ندارد، مانند آدامس، شکلات، سبزیجات، حبوبات، میوه جات، نان، لبنیات با تمام مشتقاتش و....

### ۳. نجس شدن مواد غذایی

اصولاً خوردن و خوراندن چیز نجس، و هم چنین غذایی که به وسیلهٔ یکی از نجاسات، متنجس شده باشد، حرام است.<sup>۱</sup>

مرحوم شیخ حرّ عاملی (م ۱۱۰۴ق) در کتاب ارزشمند «وسائل الشیعة» بابی را تحت عنوان: «بَابُ تَحْرِيمِ أَكْلِ النَّجَسِ وَ شُرْبِهِ» منعقد نموده و این حدیث را آورده است: امام صادق علیه السلام در مورد خرید و فروش چیزهای حرام فرمود:

فروختن مردار، خون، گوشت خوک، شراب یا هر چیز

۱. البته فقها کودکان را استثنا فرموده و گفته اند: خوراندن غذای متنجس (نه خود نجس) به کودکان اشکال ندارد، به شرط آنکه ضرری متوجه آنان نشود. (توضیح المسائل محشی، ج ۱، ص ۹۴).

نجسی مؤکداً حرام است؛ زیرا از این موارد در اسلام نهی شده؛ اعم از خوردن، آشامیدن، پوشیدن، به ملکیت در آوردن، نگهداشتن و هرگونه تصرفات دیگر.<sup>۱</sup>

بنابراین، دست اندر کاران مواد غذایی هرگز نباید از مواد غذایی نجس یا متنجس استفاده نمایند و یا آن را به خورد دیگران بدهند؛ اگرچه دادن غذای متنجس به حیوانات اشکال ندارد.

یادآوری چند نکته در این زمینه ضروری است:

#### الف) تعداد نجاسات

در دین اسلام چیزهایی به عنوان نجس معرفی شده است که می‌دانیم مسئله پاک و نجسی غیر از بهداشت و عدم بهداشت می‌باشد.

چیزهای نجس عبارتند از:

۱. ادرار و مدفوع انسان و هر حیوان حرام گوشتی که خون جهنده دارد.

۲. خون انسان و هر حیوانی که خون جهنده دارد، اعم از حلال گوشت و حرام گوشت؛ ولی خونی که در تخم

۱. «وَأَمَّا وَجُوهُ الْحَرَامِ مِنَ الْبَيْعِ وَالشِّرَاءِ إِلَى أَنْ قَالَ وَالْبَيْعُ لِلْمَيْتَةِ أَوِ الدَّمِ أَوْ لَحْمِ الْخِنْزِيرِ أَوْ الْخَمْرِ أَوْ شَيْءٍ مِنْ وَجْهِ النَّجْسِ فَهَذَا كُلُّهُ حَرَامٌ وَمُحَرَّمٌ لِأَنَّ ذَلِكَ كُلَّهُ مَنَهِيٌّ عَنِ أَكْلِهِ وَشُرْبِهِ وَلُبْسِهِ وَمَلِكِهِ وَإِفْسَاكِهِ وَالتَّقَلُّبِ فِيهِ فَجَمِيعٌ تَقَلُّبِهِ فِي ذَلِكَ حَرَامٌ»، وسائل الشیعة، ج ۲۴، ص ۲۳۸.

مرغ یافت می‌شود، مورد بحث و اختلاف نظر است که هر کسی باید به مرجع خود مراجعه کند.

۳. مُردار انسان (تا وقتی او را غسل‌های سه گانه میّت نداده‌اند) و هر حیوانی که خون جهنده دارد، اعم از حلال گوشت و حرام گوشت.

۴. منی انسان و هر حیوانی که خون جهنده دارد، چه حلال گوشت و چه حرام گوشت.

۵. تمام اجزای سگ و خوکی که در خشکی زندگی می‌کنند، حتی مو، استخوان، پنجه، ناخن و رطوبت‌های آنها، نجس است؛ ولی سگ و خوک دریایی پاک هستند، گرچه خوردن آنها حرام است. (دادن قرص به سگ‌ها از جانب نهادهای بهداشتی، سبب پاک شدن آنها نمی‌شود.)

یادآوری: غیر از این دو حیوان، بدن تمام حیوانات (در حالی که زنده هستند) پاک است.

۶. شراب و هر چیز مست‌کننده‌ای که از اول مایع بوده است؛ اما چیزهای مست‌کننده‌ای که مایع نیستند یا از اول مایع نبوده و بعد به صورت مایع درآمده‌اند، (گرچه خوردنش حرام است؛ ولی) نجس نیستند.

۷. آبجو؛ ولی «ماء الشعیر» که در بازار مسلمین یافت

۱. توضیح المسائل محشی، ج ۱، ص ۷۵.

می شود، پاک و حلال است.

۸. کافر؛ یعنی کسی که:

- منکر خداست؛
- برای خدا شریک قرار می دهد؛
- پیغمبری حضرت محمد ﷺ را قبول ندارد؛
- در یکی از موارد فوق شک دارد؛
- ضروری دین؛ یعنی چیزهایی مثل نماز، روزه، حج و... مسلمانان آن را جزء دین اسلام می دانند، منکر می شود؛<sup>۱</sup>
- با اهل بیت پیامبر ﷺ دشمنی می ورزد؛
- در مورد انسان ها (اعم از خاندان پیامبر و دیگران) غلو ورزیده، آنها را از حد عبودیت و بندگی خداوند بالاتر می برد.<sup>۲</sup>

تمام اجزای بدن و حتی عرق کافر نیز نجس است. اگر مواد غذایی نجس شود، در صورت امکان حتماً باید اغذیه فروش آن را تطهیر کند و سپس از آن برای تهیه اغذیه استفاده نماید و چنانچه امکان تطهیر وجود نداشته باشد، نمی تواند با آن غذا تهیه کند و در اختیار مردم قرار دهد.

۱. همان، ص ۷۶.

۲. منتهی المطلب فی تحقیق المذهب، ج ۳، ص ۲۲۴.

**ب) موارد جواز**

در مواردی، بنا بر پاک بودن مواد خوراکی گذاشته می‌شود و استفاده از آنها برای طبخ اشکالی ندارد:

۱. معلوم نیست دستی که به مواد خوراکی برخورد نموده، نجس بوده یا نه؛

۲. معلوم نیست دستِ نجس به مواد غذایی برخورد کرده یا نه؛

۳. معلوم نیست نجاست دست، به مواد غذایی سرایت کرده یا نه؛ زیرا اگر دو چیزی که یکی پاک و دیگری نجس است، به یکدیگر برخورد نمایند؛ ولی هر دو خشک باشند، نجاست منتقل نمی‌شود؛

۴. معلوم نیست چیز مشکوک جزء اشیای نجس است یا نه؛ مانند اینکه دانه سیاهی بین برنج‌ها وجود دارد که معلوم نیست فضلهٔ موش است یا چیز دیگر.<sup>۱</sup>  
در موارد فوق، حتی تفحص و جستجو نیز لازم نیست و باید بنا بر پاک بودن آن گذاشت.

**ج) چیزهای غیر قابل تطهیر**

چنانچه برخی از مواد غذایی نجس شوند، دیگر قابل پاک شدن نیستند. بعضی از آنها عبارتند از:

۱. شیر: چنانچه شیر نجس شود، قابل پاک شدن

۱. توضیح المسائل محشی، ج ۱، ص ۸۸.

نیست، گرچه آن را به پنیر تبدیل کنند و یا در آب گُر قرار دهند.<sup>۱</sup>

۲. آب میوه: تمام آب میوه‌ها، چنانچه نجس شوند، قابل تطهیر نیستند.

۳. شیرۀ مایع: اعم از شیرۀ خرما، انگور و... اگر نجس شوند، چنانچه سفت باشند، فقط همان موضع متنجس می‌گردد و با برداشتن آن مقدار نجس و قدری از اطراف آن، بقیه پاک خواهد بود، و چنانچه سفت نبوده؛ بلکه به صورت مایع باشد، با نجس شدن یک قسمت، تمام آن شیره نجس شده و دیگر قابل تطهیر نمی‌باشد.

۴. روغن مایع: اگر روغن جامد باشد و نجسی در آن بیفتد، همان قسمت متنجس برداشته می‌شود و بقیه پاک است؛ اما اگر روغن مایع باشد و در همان حال نجسی در آن بیفتد، تمام روغن نجس می‌شود و دیگر قابل پاک شدن نیست.<sup>۲</sup>

مایعاتی از این دست، چنانچه نجس شوند، قابل پاک شدن نمی‌باشند؛ اما اگر آب مطلق<sup>۳</sup> قلیل<sup>۴</sup> نجس شود، با

۱. لازم است در این زمینه هرکسی به رساله مرجع خود مراجعه کند.

۲. توضیح المسائل محشی، ج ۱، ص ۸۹.

۳. آب مطلق به آب معمول و متعارف گفته می‌شود که با چیزی مخلوط نشده یا از چیزی گرفته نشده باشد و مردم به آن «آب» بگویند، بدون اینکه پسوندی داشته باشد (مثلاً به آبمیوه آب گفته نمی‌شود).

۴. آب قلیل در مقابل آب گُر است. آب گُر؛ آبی است که در ظرفی بگنجد که

اتصال به گریا ریختن باران بر روی آن، پاک می‌گردد، به شرط آنکه عین نجس در آن وجود نداشته باشد.

۵. حبوبات خیس خورده در آب نجس: چنانچه ظاهر حبوبات متنجس گردد، با آب کشیدن پاک می‌شود؛ ولی اگر حبوبات در آب نجس خیس خورده باشند، پاک شدن آنها محل تأمل است و در این زمینه باید به رساله مرجع مراجعه شود.

گندمی که متنجس شده است، بر اثر تبدیل شدن به آرد یا نان پاک نمی‌گردد.

۶. خمیر نجس: چنانچه آرد نجس شود، همان قسمت متنجس برداشته می‌شود و بقیه آن پاک است؛ اما اگر در داخل آرد، آب ریخته شده باشد، در این صورت مسئله دارای اقسامی است:

- ابتدای آب ریختن در آرد، نجسی در آن بیفتد، به مقداری که آب و نجاست رسیده، آرد متنجس شده و بقیه آردها پاک است.
- بعد از ریختن آب در آرد و تشکیل خمیر، معلوم شود که از اول نجسی داخل آن افتاده بوده، در این

---

هریک از طول، عرض و عمق آن، سه وجب و نیم یا بیشتر باشد. بنابراین، آب قلیل به آبی گفته می‌شود که کمتر از این مقدار باشد.  
 ۱. مانند اینکه برنج را در طشت آب خیس کنند و بعد از خیس خوردن، فضله موش در آن یافت شود.

صورت تمام آن خمیر نجس شده است و با تبدیل شدن به نان یا هر چیز دیگر قابل تطهیر نمی باشد.

- بعد از تشکیل خمیر، نجسی در آن بیفتد؛ در این صورت همان محدوده ای که نجس افتاده است، برداشته و دور ریخته می شود و بقیه خمیرها پاک می باشد.

#### د) خبایث

در دین اسلام، خوردن و آشامیدن چیزهای خبیث حرام می باشد. مقصود از خبایث، چیزهایی است که طبع بشر از آنها تنفر دارد. قرآن کریم در این زمینه می فرماید:

﴿يُحِلُّ لَهُمُ الطَّيِّبَاتِ وَيُحَرِّمُ عَلَيْهِمُ الْخَبَائِثَ﴾؛<sup>۱</sup> [پیامبر خدا ﷺ] چیزهای پاکیزه را بر مردم حلال و اشیای تنفرآور (خبیث) را برایشان حرام کرده است).

و در جای دیگر می فرماید:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُلُوا مِن طَيِّبَاتِ مَا رَزَقْنَاكُمْ وَاشْكُرُوا لِلَّهِ إِنْ كُنْتُمْ إِيَّاهُ تَعْبُدُونَ﴾؛<sup>۲</sup> (ای کسانی که ایمان آورده اید! از نعمت های پاکیزه ای که به شما روزی داده ایم، بخورید و شکر خدا را به جای آورید؛ اگر او را پرستش می کنید!)

۱. اعراف / ۱۵۷.

۲. بقره / ۱۷۲.



در این قسمت لازم است به دو نکته اشاره کنیم:

### ۱. غذای آلوده

اسلام دین نظافت و پاکیزگی است و آن را نشانه ایمان می‌داند.<sup>۱</sup> اگر فضای نگهداری فروشگاه مواد غذایی، بهداشت مناسب را نداشته باشد، به طوری که مواد غذایی آلوده به میکروب گردد، فروش و تحویل آن به دیگران جایز نیست. هم چنین اگر دست فروشنده اغذیه کثیف و چرکین باشد، حق ندارد به مواد غذایی دست زده، آنها را در اختیار مشتریان بگذارد؛ زیرا در اندیشه تمام مشتریان این ذهنیت وجود دارد که «جنس سالم» و «مواد غذایی بهداشتی» در اختیار آنان گذاشته می‌شود نه غذای کثیف و ناسالم.

اگر مشتریان بدانند مواد غذایی ارائه شده بهداشتی نیست، هرگز برای تهیه آن اقدام نمی‌کنند. برای این اساس، «شرط سلامت» و «بهداشتی بودن» مواد غذایی، یک «شرط ارتکازی» است که مشتریان با این شرط اقدام به خرید می‌نمایند.<sup>۲</sup>

مواد غذایی آلوده، جنس معیوب به شمار می‌رود و فروختن جنس معیوب، نوعی غش و فریبکاری در معامله

۱. پیامبر خدا - فرمودند: «الْتَّظَافَةُ مِنَ الْإِيْمَانِ»؛ نظافت نشانه ایمان است.

بحار الانوار، ج ۵۹، ص ۲۹۱.

۲. توضیح المسائل محشی، ج ۲، ص ۲۳۸.

است که پیامبر خدا ﷺ فرمودند: «لَيْسَ مِثْلًا مِنْ غَشٍّ مُسْلِمًا وَ لَيْسَ مِثْلًا مِنْ حَانَ مُسْلِمًا؛ از ما مسلمانان نیست، کسی که مسلمانی را فریب دهد و به وی خیانت کند.»

## ۲. مواد غذایی فاسد

فروش مواد غذایی فاسد شده بنا به ادله‌ای که گفته شد، حرام است و چنانچه فروشنده به فساد جنس خود آگاه باشد و بر اثر فروش مواد غذایی فاسد یا موادی که تاریخ مصرف آن به پایان رسیده است، صدمه‌ای متوجه مشتریان کند، ضامن خواهد بود و باید تمام خسارت‌های وارد شده از قبیل هزینه درمان، ناقص شدن عضو بدن و یا هر خسارت دیگر را جبران نماید.<sup>۲</sup>

تذکره: اگر «اداره بهداشت» از ناسالم بودن مواد غذایی مطلع نشود، دست‌اندرکاران مواد غذایی حق ندارند آن مواد ناسالم را در اختیار مردم گذاشته، از عدم اطلاع مشتریان سوءاستفاده کنند. فروشندگان مواد غذایی در زمینه لزوم پرهیز از استفاده مواد آلوده، شرعاً تکلیف دارند، اعم از اینکه اداره بهداشت یا دستگاه قضایی مطلع شود یا نه.

۱. امالی صدوق، ص ۲۷۰.

۲. فقها برای هر عضو، دیه خاصی را مشخص نموده‌اند.

## ۵. تشخیص بهداشت

امروزه در عُرف بین الملل، از مواد غذایی سالم به «مواد غذایی بهداشتی» تعبیر می‌شود. این همان تعبیری است که فقها از آن به عنوان «سلامت» یاد نموده‌اند و سالم بودن هر جنسی را برای خرید و فروش لازم و واجب دانسته‌اند. سلامت هر کالایی بر حسب و متناسب با همان جنس است. مثلاً تعریفی که از ماشین سالم ارائه می‌شود، غیر از تعریفی است که از مواد غذایی سالم ارائه می‌گردد؛ زیرا تشخیص سالم و معیوب بودن هر جنسی بستگی به عُرف همان صنف دارد.

در این زمان، تعریف دقیق غذای سالم از ناسالم، بر عهده «اداره بهداشت» گذارده شده است؛ زیرا با تنوع مواد غذایی، تشخیص سالم بودن مواد غذایی نیاز به کارشناسی فنی و مناسب دارد. از اینجا می‌توان پی به اهمیت و حیاتی بودن کار اداره بهداشت برد؛ چراکه سلامت عمومی جامعه و بهداشت مردم به دست آنان است.

## امور قابل توجه خدمتگذاران بهداشت

کسانی که در مراکز نظارتی بهداشتی تلاش می‌نمایند، لازم است به امور زیر توجه کنند:

۱. کسانی که مسئولیت سرکشی به فروشندگان مواد غذایی را دارند، لازم است دقت مناسب را به کار برده، از هرگونه پارتی بازی و گزینه‌ای عمل کردن خودداری کنند، وگرنه درآمد و کسب آنان حرام خواهد بود؛ زیرا آنان برای تأمین سلامت عمومی مردم استخدام شده‌اند، پس موظف هستند در جهتی که برای آن به کار گرفته شده‌اند، به طور صحیح انجام وظیفه نمایند.<sup>۱</sup>

۲. از افراط و تفریط خودداری کرده، براساس آنچه به طور متعارف در روال قانونی و دستور کار خود دارند، مشی نمایند. در غیراین صورت، هم به صنف فروشندگان مواد غذایی ظلم کرده‌اند و هم به مصرف‌کنندگان.

۳. دریافت رشوه و کتمان حقیقت، از گناهان کبیره به شمار می‌رود، لذا اگر خدمتگذاران بهداشت عمومی حقی را باطل جلوه دهند یا باطلی را به صورت حق نمایان سازند، درآمد حرام کسب نموده‌اند.

پیامبر خدا ﷺ فرمود:

«الرَّاشِي وَالْمُرْتَشِي وَالْمَاشِي بَيْنَهُمَا مَلْعُونُونَ»<sup>۲</sup> (رشوه دهنده و رشوه گیرنده و کسی که بین آن دو وساطت می‌کند، ملعون هستند).

۱. تمام فقهای بزرگوار بر این فتوا می‌باشند که اجیر باید طبق قرارداد خود عمل نموده، در کار خود کوتاهی نکند.

۲. بحار الانوار، ج ۱۰۱، ص ۲۷۴.

۴. دروغ و گزارش نادرست به مقامات قضایی و به کار بردن حُب و بغض‌ها نیز گناه و ضمان‌آور است.

## ۶. حیوانات حرام گوشت

فقه‌ها با توجه به آیات و روایات، حیوانات را به سه دسته تقسیم نموده‌اند: حلال گوشت، حرام گوشت و مکروه. این احکام از میان حیوانات خشکی، آبی و پرندگان بوده. برای حلال و حرام بودن هر یک، فهرست و معیارهایی مشخص نموده‌اند:

### حیوانات خشکی

حیوانات حرام گوشتی که در خشکی زندگی می‌کنند، عبارتند از:

الف) حیوانات نجس: در بحث چیزهای نجس یادآوری شد که بدن تمام حیوانات زنده پاک است، به استثنای دو مورد سگ و خوک که در خشکی زندگی می‌کنند که تمامی اجزای این دو حیوان نجس است و از حیوانات حرام گوشت نیز می‌باشند.

ب) حیوانات درنده: گوشت تمام حیوانات درنده مانند شیر، کفتار، ببر، پلنگ، گرگ و مطلق گربه‌سانان، حرام است.

ج) میمون‌ها: تمام انواع میمون‌ها از جمله بوزینه‌ها و

شامپانزه‌ها حرام گوشت هستند و استثنایی در آن وجود ندارد.

د) حشرات: آنچه جزء حشرات به حساب می‌آید، مانند مگس، پشه، مورچه، سوسک و... در فقه شیعه حرام می‌باشد و تنها ملخ استثنا شده است.

ه) مارها: تمام اقسام مارها، اعم از آبی و خشکی، جزء حیوانات حرام گوشت هستند.

و) خرگوش و موش: خرگوش‌ها و موش‌ها با تمام اقسام و انواعشان حرام می‌باشند و هیچ استثنایی در این مورد وجود ندارد.<sup>۱</sup>

ز) سوسمارها: گوشت تمام حیواناتی که از خانواده سوسمارها به شمار می‌روند، مانند مارمولک، تمساح، بزوجه، سمندر و... حرام است.<sup>۲</sup>

### حیوانات آبی

گوشت تمام حیوانات آبی حرام است، به استثنای دو مورد: ماهی پولک دار و میگو. بنابراین، حیواناتی مانند: لاک‌پشت، خرچنگ، مارماهی، حلزون، قورباغه، ماهی بدون پولک، عروس دریایی، کوسه و... حرام گوشت هستند.<sup>۳</sup>

۱. لازم به ذکر است که گوشت اسب و الاغ مکروه است، نه حرام.

۲. زبدة الاحکام، ص ۱۸۷.

۳. تحریر الوسیلة، ج ۲، ص ۱۵۵.

## پرنندگان

مقصود از پرنندگان، حیواناتی هستند که دارای بال می‌باشند، اعم از اینکه بتوانند پرواز کنند یا نتوانند، پس پرنندگانی از قبیل مرغ و خروس، شترمرغ، کبک و مانند اینها، اگرچه نمی‌توانند پرواز کنند؛ ولی حلال گوشت هستند و معیار در حلال یا حرام بودن سایر پرنندگان را فقهای بزرگوار چنین بیان کرده‌اند:

- پرنندگانی که چینه‌دان دارند حلال گوشت، و الا حرام گوشتند.
- پرنندگانی که در پشت ساق پا ناخن دارند، حلال، و الا حرامند.
- پرنندگانی که سنگدان دارند، حلال، و الا حرامند.
- پرنندگانی که هنگام پرواز بیشتر بال می‌زنند و کمتر بال‌های خود را صاف نگه می‌دارند حلال، و الا حرامند.
- پرنندگانی که «پنجه» دارند که به وسیله آن شکار می‌کنند، حرامند مانند: عُقاب، گرگس، کلاغ (به انواع اقسامش)، جغد، شاهین و... که در برخی تعبیر فقهی از اینگونه پرنندگان به سباع (درنده) تعبیر شده است.<sup>۱</sup>

۱. همان، ص ۱۵۷.

### شیر و تخم حیوانات

ممکن است این سؤال به وجود آید که حکم شیر حیوانات و نیز تخم پرندگان و ماهی‌ها چیست؟ آیا در این مورد تفصیلی وجود دارد؟

ج: حکم این موارد تابع خود حیوان است؛ یعنی حیواناتی که حلال‌گوشت هستند، شیریا (در پرندگان و ماهی‌ها) تخم آنها نیز حلال است و حیواناتی که حرام‌گوشت هستند، شیریا تخم آنها نیز حرام است.<sup>۱</sup> قرآن مجید در مورد برخی از محرّمات غذایی چنین می‌فرماید:

﴿إِنَّمَا حَرَّمَ عَلَيْكُمُ الْمَيْتَةَ وَالدَّمَ وَلَحْمَ الْخِنْزِيرِ وَمَا أُهْلَ بِهِ لِغَيْرِ اللَّهِ فَمَنْ اضْطُرَّ غَيْرَ بَاغٍ وَلَا عَادٍ فَلَا إِثْمَ عَلَيْهِ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ﴾<sup>۲</sup>؛ (خداوند، تنها [گوشت] مردار، خون، گوشت خوک و آنچه را نام غیر خدا به هنگام ذبح بر آن گفته شود، حرام کرده است؛ [ولی] آن کس که مجبور شود، در صورتی که ستمگرو متجاوز نباشد، گناهی بر او نیست [و می‌تواند برای حفظ جان خود، در موقع ضرورت، از آن بخورد]. همانا خداوند بخشنده و مهربان است).

۱. همان، ص ۱۵۶.

۲. بقره/ ۱۷۳.



## ۷. حرام شدن حلال گوشت

در مواردی گوشت حیوان حلال گوشت، حرام می‌گردد که به احکام آن اشاره می‌کنیم:

### ۱. مُردن حیوان

هر حیوان حلال گوشتی که بمیرد، خوردن آن حرام می‌گردد و حلال شدن حیوانات مشروط به ذبح شرعی آنهاست. به استثنای ماهی که حلال شدن آن به این است که زنده از آب گرفته شود و در بیرون از آب جان دهد.<sup>۱</sup>

### ۲. نجاست خوار شدن

گاهی حیوانات حلال گوشت عادت به خوردن مدفوع انسان یا چیزهای نجس دیگر می‌کنند. در صورت عادت، آن حیوان حرام گوشت می‌شود؛ اما اگر آن حیوان را «استبراء» کنند؛ یعنی در جایی قرار دهند که این عادت را ترک کند، پس از آن دو مرتبه حلال می‌گردد.<sup>۲</sup>

### ۳. عدم ذبح شرعی

ذبح شرعی حیوانات دارای شرایطی است که چنانچه

۱. توضیح المسائل محشی، ج ۲، ص ۵۹۱.

۲. از این گونه حیوانات در فقه به «جلال» تعبیر می‌شود. لازم به ذکر است که فقط عادت به خوردن مدفوع انسان، سبب حرمت گوشت حیوان می‌گردد، نه نجاسات دیگر.

بعضی از آنها عمداً ترک شوند، حیوان حرام می‌گردد و برخی نیز چه عمداً و چه سهواً ترک شوند، حیوان مانند مردار حرام می‌گردد.

از جمله چیزهایی که ترک آن به صورت عمدی موجب حرام شدن حیوان می‌گردد، عبارتند از: ترک نام خدا و روبه قبله نبودن حیوان به هنگام ذبح.

و آن چیزهایی که ترکش مطلقاً (عمدی یا سهوی) سبب حرام شدن حیوان می‌گردد، عبارتند از: قرار گرفتن برآمدگی گلودر قسمت بدن؛ ذبح حیوان توسط کافر؛ و بریده نشدن رگ‌های چهارگانه.

#### ۴. وطی

چنانچه (نعوذ بالله) انسانی با حیوان حلال گوشتی وطی (نزدیکی) کند، علاوه بر آنکه مرتکب کار حرامی شده است،<sup>۱</sup> آن حیوان و شیرواحیاناً بیچه‌ای که در شکم دارد، حرام شده، دیگر قابل حلال شدن نیست. در این صورت باید آن حیوان را ذبح کنند و سپس بسوزانند و چنانچه انجام دهنده این عمل زشت مالک آن نبوده است، باید پول آن حیوان را به مالک (به عنوان خسارت) بپردازد.

۱. وطی حیوانات حرام است؛ اعم از حلال یا حرام گوشت.

## ۵. شکار در حال احرام

یکی از چیزهایی که سبب حرام شدن حیوان حلال گوشت می‌گردد این است که شخص مُحرّم<sup>۱</sup> در حین احرام شکار کند.<sup>۲</sup>

## ۶. شکار غیر شرعی

چنانچه شکارچی سگ شکاری یا تیر را به طرف شکار رها نماید، اگر هنگامی که به حیوان شکار شده رسید و ملاحظه کرد حیوان بر اثر گاز گرفتن سگ یا اصابت تیر مرده است، آن حیوان حلال می‌باشد؛ ولی اگر موقعی به حیوان برسد که هنوز حیوان زنده است، باید آن را ذبح شرعی کند، وگرنه چنانچه حیوان خودبخود جان دهد، در این صورت حرام خواهد شد.<sup>۳</sup>

۱. فرق نمی‌کند که به احرام عمره باشد یا حج.

۲. قرآن مجید در این مورد می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَقْتُلُوا الصَّيْدَ وَأَنْتُمْ حُرْمٌ وَمَنْ قَتَلَهُ مِنْكُمْ مُتَعَمِّدًا فَجَزَاءٌ مِثْلُ مَا قَتَلَ مِنَ النَّعْمِ يَحْكُمُ بِهِ ذَوَا عَدْلٍ مِنْكُمْ هَدِيًّا بِالْبَالِغِ الْكَعْبَةِ أَوْ كَفَّارَةً طَعَامٍ مَسَاكِينَ أَوْ عَدْلٌ ذَلِكَ صِيَامًا لِيَذُوقَ وَبَالَ أَمْرِ اللَّهِ عَقَا اللَّهُ عَمَّا سَلَفَ وَمَنْ عَادَ فَيَنْتَقِمُ اللَّهُ مِنْهُ وَاللَّهُ عَزِيزٌ ذُو انْتِقَامٍ» (ای کسانی که ایمان آورده‌اید! در حال احرام شکار نکنید، و هر کس از شما عمد آن را به قتل برساند، باید کفاره‌ای معادل آن از چهار پایان بدهد. کفاره‌ای که دو نفر عادل از شما، معادل بودن آن را تصدیق کنند و به صورت قربانی به (حریم) کعبه برسد؛ یا (به جای قربانی) اطعام مستمندان کند؛ یا معادل آن روزه بگیرد، تا کیفر کار خود را بچشد. خداوند گذشته را عفو کرده؛ ولی هر کس تکرار کند، خدا از او انتقام می‌گیرد؛ و خداوند توانا و صاحب انتقام است). (مائده/ ۹۵)

۳. توضیح المسائل محشی، ج ۲، ص ۵۸۹.

## ۷. اجزای حیوانات

تمام اجزای هر حیوان حلال گوشتی مطلقاً حلال نیست؛ بلکه در این زمینه تفصیلاتی بیان شده است که به سه مبحث در این زمینه اشاره می‌شود:

**الف) پانزده جزء حرام:** خوردن پانزده چیز از حیوانات حلال گوشت، حرام است: خون، فضله (اعم از ادرار و مدفوع حیوان که پس از ذبح در بدنش جا مانده)، آلت تناسلی (مادگی یا نری)، رَجَم (بچه‌دان)، دُشُول (غده‌ها)، دمبلان (تخم یا بیضه)، چیزی که در مغز کله است و به شکل نخود می‌باشد، نخاع (حرام مغز که در میان ستون مهره پشت است)، پی که در دو طرف تیره پشت است، زهره‌دان، سپرز (طحال)، بول‌دان (مثانه)، حدقه چشم، چیزی که در میان سُم است و به آن «ذات الاشجاع» می‌گویند.<sup>۱</sup>

**ب) توجه به محرّمات:** لازم است اغذیه‌فروشان، به محرّمات فوق توجه نموده، هم خود را آلوده به معصیت نکنند و هم کار و کسب خود را از مال حرام حفظ نمایند. در این زمینه شغل‌هایی مانند: کله‌پزی‌ها، جگرکی‌ها و ساندویچ فروش‌ها بیشتر مخاطب قرار می‌گیرند.

**ج) عضو جدا شده از حیوان زنده:** حیوانی که زنده است،

۱. همان، ص ۵۹۶.

گرچه حلال گوشت باشد، عضو جدا شده از او در حکم مردار بوده و خوردن آن حرام است.

### • مسئله

اگر چیزی را که روح دارد، از حیوان زنده جدا نمایند، مثلاً دنبه یا مقداری گوشت از گوسفند زنده ببرند، نجس و حرام می‌باشد.<sup>۱</sup>

این حکم در مورد ماهی‌ها استثنا می‌باشد؛ یعنی چنانچه ماهی را زنده از آب بگیرند و با اینکه زنده است آن را قطعه قطعه نمایند، به فتوای بیشتر فقها حلال خواهد بود.<sup>۲</sup>

### ۹. مسکرات

استفاده از چیزهای مست کننده در مواد غذایی جایز نیست. در این جهت فرقی وجود ندارد بین اینکه ماده مست کننده:

- خوردنی باشد یا آشامیدنی؛
- کم باشد یا زیاد؛
- با چیزی مخلوط شده باشد یا نه، حتی فقها می‌فرمایند: چنانچه یک قطره شراب در یک پارچ

۱. همان، ص ۵۹۵.

۲. همان، ص ۵۹۳.

آب یا آبمیوه ریخته شود، تمام آن حرام خواهد شد.

- مایع باشد یا جامد، پودر باشد و یا به هر شکل دیگری؛
  - از عناصر شیمیایی تشکیل شده باشد یا طبیعی.<sup>۱</sup>
- علی بن زید می گوید: در محضر امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام بودم، مردی از آن حضرت پرسید: آیا نماز شارب الخمر (نوشنده شراب) قبول است؟ حضرت فرمودند: کسی که چیز مست کننده ای بیاشامد، تا چهل روز نمازش مورد قبول درگاه خداوند واقع نمی شود، مگر اینکه توبه کند.<sup>۲</sup>
- البته این بدان معنا نیست که نوشنده شراب دیگر نمازش را ترک کند؛ بلکه او نیز مانند سایر مردم باید نماز بخواند؛ ولی قبل از نماز باید دهان خود را آب بکشد و بداند که نمازش آن اثری که باید داشته باشد، ندارد.

هم چنین پیامبر خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود:

کسی که شراب می نوشد: اگر مریض شد، به عیادتش نروید؛ در تشییع جنازه اش حاضر نشوید؛ گواهی و شهادت او را نپذیرید؛ به وی زن ندهید؛ و او را امین شمارید.<sup>۳</sup>

۱. همان، ص ۶۰۳.

۲. بحار الانوار، ج ۶۳، ص ۴۸۸.

۳. «شَارِبُ الْخَمْرِ إِنْ مَرِضَ فَلَا تَعُوذُوهُ وَإِنْ مَاتَ فَلَا تَحْضُرُوهُ وَإِنْ شَهِدَ فَلَا تُزَكُّوهُ وَإِنْ خَطَبَ فَلَا تُرْجُوهُ وَإِنْ سَأَلَكُمْ أَمَانَةً فَلَا تَأْتِمُونَهُ»؛ الکافی، ج ۱،

و در حدیث دیگری می‌خوانیم:

رسول اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در مورد شراب و کسانی که با آن سرو کار دارند، این گروه‌ها را لعنت نمودند: خود شراب، کسی که آن [انگور را برای شراب] می‌فشد، شخصی که آن را می‌سازد، فروشنده شراب، مشتری شراب، ساقی شراب، شخصی که پول حاصل از فروش شراب را مصرف نماید، نوشنده شراب، حمل‌کننده شراب و شخصی که شراب به سوی او حمل شود [نگهدارنده شراب].<sup>۱</sup>

لذا روایات و رساله‌های عملیه حضور بر سر سفره‌ای که در آن شراب باشد را تحریم نموده، می‌فرمایند: «سر سفره‌ای که در آن شراب می‌خورند، اگر انسان یکی از آنان حساب شود، بنا بر احتیاط واجب نباید نشست و چیز خوردن از آن سفره حرام است».<sup>۲</sup>

### ۱۰. منع حاکم شرع

اسلام هم دینی است که به فرد اهمیت می‌دهد و هم اجتماعی است و تصمیمات جامعه اسلامی را آنگاه به رسمیت می‌شناسد که تحت اشراف دین مبین اسلام -

ص ۳۹۷.

۱. «لَعَنَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ الْخَمْرَ وَعَاصِرَهَا وَمُعْتَصِرَهَا وَبَائِعَهَا وَمُشْتَرِيَهَا وَسَاقِيَهَا وَآكِلَ ثَمَنِهَا وَشَارِبَهَا وَحَامِلَهَا وَالْمَحْمُولَةَ إِلَيْهِ»؛ همان، ص ۳۹۸.

۲. توضیح المسائل محشی، ج ۲، ص ۶۰۴.

از طریق قرآن و سنت پیامبر و ائمه علیهم السلام - باشد.  
در زمان غیبت امام زمان علیه السلام امر اشراف و نظارت بر  
جامعه به عهده مجتهد جامع شرایط گذارده شده است.  
امام عسکری علیه السلام می فرمایند:

« فَأَمَّا مَنْ كَانَ مِنَ الْفُقَهَاءِ صَانِدًا لِنَفْسِهِ حَافِظًا لِدِينِهِ مُخَالَفًا  
عَلَى هَوَاهُ مُطِيعًا لِأَمْرِ مَوْلَاهُ فَلِلْعَوَامِّ أَنْ يُقَلِّدُوهُ؛<sup>۱</sup> (هر کس از  
فقه‌های شیعه که خود را (از معاصی و رذایل) نگاه دارد و  
مخالف هوای نفس بوده، اطاعت پروردگار نماید، مردم  
باید از وی (در عمل به احکام دین) تقلید نمایند).»  
یکی از موارد حرمت مواد غذایی آن است که مجتهد  
جامع شرایط به دلیلی از خرید و فروش آن منع کند.  
بدیهی است این ممنوعیت ذاتی نبوده؛ بلکه عارضی و  
به خاطر مصلحت سیاسی یا اجتماعی مسلمین صورت  
می‌گیرد.

به عنوان مثال، مرحوم سید محمد حسن شیرازی (م  
۱۳۱۲ق) در مورد تحریم تنباکو که امتیاز آن در اختیار  
دولت کفرانگلیس قرار می‌گرفت، فرمود:

«الیوم استعمال التوتون والتنباکو بآی نحو کان فی حکم  
محاربة الإمام الحجة صاحب الأمر عجل الله تعالی فرجه

۱. وسائل الشیعة، ج ۲۷، ص ۱۳۱.



الشریف؛<sup>۱</sup> (امروز استعمال تنباکو، به هر صورتی که باشد، در حکم جنگ با امام زمان علیه السلام است). آنچه در زمان میرزای شیرازی اتفاق افتاد، منحصر به آن وقت نبوده و ممکن است در برخی زمان‌ها یا اجناس دیگر نیز رخ دهد. در این صورت، اگر مجتهد جامع الشرایط حکم به ممنوعیت آن کالا دهد، لازم است پیروی شود.

۱. دلیل تحریر الوسيلة، ص ۴۶.



بخش دوم

طبخ



پختن و تهیه مواد غذایی نیز دارای احکام شرعی خاصی می باشد که لازم است بیان شود:

### ۱. حکم تاثیر آتش

آتش در بیشتر موارد تأثیری در احکام شرعی غذا ندارد؛ اما در سه مورد تأثیرگذار است:

- اگر چیز نجس به وسیله آتش به خاکستر تبدیل گردد، آن خاکستر پاک می باشد؛
- اگر چیز نجس به وسیله آتش به دود تبدیل گردد، آن دود پاک است؛
- چنانچه شراب به وسیله آتش به سرکه تبدیل گردد، پاک است و خوردن آن حلال.

در غیر سه مورد فوق، آتش و نیز طبخ مواد غذایی تأثیری در احکام شرعی ندارد. مثلاً چنانچه فرض کنیم ذره ای از چیزهای نجس - که در فصل اول بدان اشاره شد

- در سوپ، آش، برنج در حال جوشیدن و یا هر غذایی که به صورت مایع است، بیفتد، آن غذا متنجس شده و با حرارت و آتش پاک نمی‌گردد.

مراجع تقلید تصریح کرده‌اند که اگر موقع جوشیدن غذا ذره‌ای خون در آن بیفتد، تمام غذا و ظرف آن نجس می‌شود و جوشیدن و حرارت و آتش پاک‌کننده آن نیست.<sup>۱</sup> و نیز پختن گوشت حیوان حرام یا اجزاء حرام حیوان حلال گوشت، سبب حلال شدن آنها نمی‌گردد. مثلاً گوشت خرگوش و بیضتین حیوان (مطلقاً، اعم از حلال گوشت یا حرام گوشت) حرام است و با پختن، تغییری در حرمت آن پیدا نمی‌شود.

البته اگر مثلاً آب برنج خشک شده یا اصطلاحاً در حال دم کشیدن است، چنانچه در همان لحظه نجسی در آن بیفتد، آن نجس و اطرافش برداشته می‌شود و بقیه غذا پاک است.

## ۲. جوش آمدن انگور و آب آن

در فقه اسلام میوه یا آبمیوه حرام وجود ندارد. بنابراین، تمام میوه‌ها و آب آنها حلال می‌باشد، اعم از اینکه طبخ شوند یا نه.

۱. توضیح المسائل محشی، ج ۱، ص ۷۵.

فقط یک استثنا وجود دارد<sup>۱</sup> و آن این است که چنانچه انگور یا آب آن به جوش آید، حرام می شود، مگر اینکه دو ثلث آب آن تبخیر گردد. از این رو، نباید داخل غذای در حال جوشیدن انگور یا آب انگور بریزند.

مراجع تقلید فرموده اند: اگر انگور یا آب انگور جوش آید، چنین غذایی متنجس و مست کننده نیست؛<sup>۲</sup> ولی خوردن آن حرام می شود. حرمت این غذا تا وقتی باقی است که دو سوم آب آن تبخیر نشده باشد؛ ولی پس از اینکه دو سوم آبش تبخیر شد، حلال می گردد.

این مطلب فقط مختص انگور و آب آن در حال جوشیدن است؛ اما این موارد حلال است:

۱. غوره و آب غوره جوش آمده؛
۲. سرکه جوشیده؛
۳. خرما، کشمش و مویز پخته شده؛
۴. غذایی که از جوش افتاده و سپس داخل آن انگور یا آب انگور ریخته شود؛
۵. لیمو و آبلیموی جوشیده؛
۶. انگور و آب انگوری که جوشش آن معلوم نباشد.

۱. همان طور که استثنائی نیز برای تذکر اول به شمار می رود.

۲. تنها یک نفر از فقها در زمان ما بنا بر احتیاط واجب قائل به نجس شدن می باشند که در این زمینه می توان از فقهایی که قائل به طهارت هستند، تقلید نمود.

مرحوم امام خمینی رحمته الله علیه می نویسد: «اگر معلوم نشود که آب انگور جوش آمده، حرام نیست، پس اگر انگور را در غذایی بریزند و آن غذا جوش بیاید؛ چون معلوم نیست که آب داخل انگور جوش آمده، حلال است»<sup>۱</sup>.

س: چنانچه فرض کنیم در ظرف غوره، چند خوشه انگور وجود داشته باشد، اگر چنین آبغوره‌ای به جوش آید یا داخل غذای در حال جوش ریخته شود، باز حرام خواهد شد؟

ج: وجود چند دانه یا خوشه انگور، اشکالی ایجاد نمی‌کند تا وقتی که به آن آبغوره گفته شود و از صدق آبغوره بودن خارج نگردد.

فقها می‌فرمایند: «اگر مثلاً در یک خوشه غوره چند دانه انگور باشد، چنانچه به آبی که از آن خوشه گرفته می‌شود، آبغوره بگویند و اثری از شیرینی در آن نباشد و بجوشد، پاك و خوردن آن حلال است»<sup>۲</sup>.

### نکته

اول: در حکم مزبور (حرام بودن انگور و آب آن که به جوش آمده و نیز غذایی که در داخل آن یکی از این دو ریخته شود) آتش خصوصیت ندارد؛ بلکه به هر وسیله‌ای

۱. نجات العباد، ص ۳۴۰.

۲. توضیح المسائل محشی، ج ۱، ص ۱۲۳.



که جوشش حاصل شود، همان حکم مترتب می‌گردد، حتی اگر فرض کنیم به وسیلهٔ سرخ کردن غذا انگور به جوشش درآید.

دوم: برخی از فقها مانند مرحوم امام رحمته الله بین اینکه آب انگور به خودی خود جوش آید - که در این صورت بنا بر احتیاط باید به سرکه تبدیل گردد تا حلال شود - و بین اینکه با آتش جوش بیاید - که در این صورت با تبخیر شدن دو سوم آب آن حلال می‌شود - فرق گذاشته‌اند.<sup>۱</sup>

سوم: اگر انگور یا آب آن به «شراب» تبدیل شود، حرام و نجس خواهد بود، اعم از اینکه تبدیل شدن به شراب به وسیلهٔ آتش صورت گیرد یا خود بخود یا به وسیلهٔ قرار گرفتن در برابر نور خورشید.

حرمت و نجاست انگور یا آب آن با تبخیر شدن دو سوم آب آن از بین نمی‌رود؛ بلکه وقتی حلال و پاک می‌شود که به سرکه تبدیل گردد. در این صورت هم خودش پاک و حلال می‌شود و هم ظرفی که در آن قرار دارد، پاک می‌گردد و نیازی به شستن آن نیست.<sup>۲</sup>

### ۳. خام خواری

س: آیا خام خواری جایز است؟ یا اینکه حلال بودن

۱. نجاه العباد، ص ۳۴۱.

۲. توضیح المسائل محشی، ج ۱، ص ۱۲۷.

مواد غذایی مشروط به طبخ آن می باشد؟  
 ج: اصولاً خوردن غذای خام (اگر برای بدن ضرر عمده ای نداشته باشد) اشکال ندارد، حتی در مورد گوشت (حلال). فقها می فرمایند: خوردن گوشت به طور خام جایز؛ ولی مکروه است، مگر آنکه بر اثربودن خورشید یا حرارت آتش تغییر کند یا به صورت نمک زده در سایه خشک گردد،<sup>۱</sup> (که در این صورت مکروه نخواهد بود).

#### ۴. غذای سوخته

س: آیا خوردن غذای سوخته یا نیم سوخته جایز است؟

ج: این مسئله دارای سه صورت است:

۱. غذای سوخته طوری است که جزء خبایث به شمار می رود؛ در این صورت خوردن آن حرام خواهد بود.
۲. غذای سوخته به صورتی است که برای بدن مُضِرّاً<sup>۲</sup> محسوب می شود؛ در این مورد نیز خوردن آن حرام خواهد بود.
۳. غذای سوخته نه جزء خبایث به شمار رود و نه برای

۱. ترجمه تحریر الوسیلة، ج ۳، ص ۲۸۵.

۲. مقصود از مضر در این گونه موارد، ضرر عمده می باشد.

بدن مضر باشد؛ در این صورت خوردن آن اشکال ندارد.<sup>۱</sup>

## ۵. خوردن ماهی زنده

گرچه این مسئله معمولاً در اغذیه‌فروشی‌ها اتفاق نمی‌افتد؛ ولی از آنجا که به طبخ و عدم طبخ مواد غذایی مربوط می‌شود، طرح آن در اینجا شایسته است.

س: گاهی برخی افراد (برای درمان بیماری یا غیر آن) ماهی‌های کوچک زنده را می‌بلعند، آیا این کار جایز است؟

ج: این مسئله دارای دو صورت می‌باشد:

۱. برای درمان و علاج مرض خاصی ضروری است که ماهی زنده بلعیده شود؛ در این مورد به اتفاق تمام فقها خوردن آن جایز است و اشکالی ندارد.

۲. برای تفرج و تفریح و یا هر علت دیگر غیر از ضرورت، ماهی زنده خورده شود؛ در این صورت فقها فتوای قطعی بر حرمت نداشته؛ بلکه بیشتر ایشان قائل به حلیت می‌باشند و تنها دو نفر<sup>۲</sup> از آن بزرگواران، طبق احتیاط واجب جایز نمی‌دانند. بنابراین، می‌توان در مسئله مزبور به فقهای قائل به جواز مراجعه نمود.<sup>۳</sup>

۱. ترجمه تحریر الوسیله، ج ۳، ص ۲۸۵.

۲. آیات عظام بهجت و مکارم.

۳. توضیح المسائل محشی، ج ۲، ص ۵۹۲.

## ۶. طبخ در حال حیات

س: در برخی طبخ‌ها ماهی را از آب گرفته؛ زنده آن را بریان می‌کنند. حکم اینگونه طبخ کردن چیست؟

ج: فتوای فقها بر جواز و عدم اشکال است؛ ولی فرموده‌اند: بهتر آن است که صبر کنند ماهی جان دهد، بعد آن را بپزند.<sup>۱</sup> البته در برخی موارد شنیده شده که افرادی با چوب و مانند آن بر سر ماهی می‌زنند تا بمیرد و سپس آن را طبخ می‌کنند که باید از آن اجتناب شود.

## ۷. اسراف

از تذکرات مهم در بحث طبخ و مصرف، مسئله لزوم توجه به پرهیز از «اسراف» می‌باشد. بر این اساس، فروشندگان، آشپزها و مصرف‌کنندگان محترم باید در کار خود دقت لازم را به کار برده، در بهره‌مندی از نعمت‌های خدادادی اسراف ننمایند.

قرآن می‌فرماید:

إِنَّ الْمُبَذِّرِينَ كَانُوا إِخْوَانَ الشَّيَاطِينِ وَ كَانَ الشَّيْطَانُ لِرَبِّهِ كَفُورًا<sup>۲</sup>؛ (اسراف‌کنندگان برادران

۱. همان.

۲. اسراء/ ۲۷.

شیاطین اند و شیطان در برابر پروردگارش بسیار ناسپاس بود).

و در دو آیه خداوند از اسراف کنندگان اعلام براءت نموده، تصریح کرده است که مسرفین را دوست ندارد:

﴿لَا تُسْرِفُوا إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ﴾

متأسفانه امروزه در رستوران‌ها و سالن‌های غذاخوری یا اغذیه‌فروشی‌ها بسیار اسراف صورت می‌گیرد، خصوصاً در مراسم جشن و عروسی.

بد نیست بدانید که یک سوم غذای جهان دورریخته می‌شود. سازمان غذا و کشاورزی ملل متحد، سال ۲۰۱۱ م گزارشی از میزان اسراف غذا در جهان منتشر کرد که شاه بیت آن گزارش این بود که حدود یک سوم از حجم کل غذای تولید شده در جهان اسراف می‌شود و یا هدر می‌رود؛ چنانچه همه ساله یک میلیارد و ۳۰۰ میلیون تن (۱۳۰۰ میلیارد کیلو) غذا در جهان دورریخته می‌شود. این میزان معادل نصف غله تولید شده در سراسر جهان در یک سال زراعی است. آمارهای سازمان غذا و کشاورزی نشانگر این است که بیشترین غذای اسراف یا هدر داده شده در سراسر جهان، میوه و سبزیجات است.

هدر رفت غذا به معنای غیرقابل استفاده شدن آن

طی مراحل آماده‌سازی است؛ اما اسراف یعنی غذای خریداری شده به هر دلیلی به سطل زباله ریخته شود؛ خواه در زمان دور ریختن هنوز قابل استفاده بوده یا اینکه در آن زمان فاسد و غیر قابل بهره‌برداری شده است.

از نظر رقمی، میزان اسراف و هدررفت غذا در کشورهای در حال توسعه و توسعه یافته تقریباً یکسان است؛ اما مسئله اینجاست که کشورهای در حال توسعه به دلیل فقر تکنولوژیک یا به عبارت دیگر ناتوانی در صنعت، رقم هدررفت بالاتر و کشورهای توسعه یافته اسراف زیادتری دارند که دلیل اصلی آن، نخواستن است، نه نتوانستن.

از کشورهایی که هم مدعی صنعت و اقتصاد برترند و هم مدعی‌اند که سطح فرهنگی بالاتری دارند، بعید است سالانه ۶۷۰ میلیون تن غذا اسراف کنند؛ اما چنین مسئله‌ای واقعیت دارد. هر فردی در اروپا یا آمریکای شمالی، سالانه بین ۹۵ تا ۱۱۵ کیلو در هر سال اسراف دارد. این رقم در آفریقا و جنوب آسیا تنها شش تا ۱۱ کیلوگرم است. کشورهای ثروتمند جهان همه ساله ۲۲۲ میلیون تن غذا را اسراف می‌کنند که این میزان مساوی است با کل میزان غذای تولید شده در کشورهای حوزه صحرای آفریقا. بد نیست بدانید میزان اسراف آمریکایی‌ها در یک سال می‌تواند برای غذای آنها در یک و نیم سال بعد کافی

باشد یا صد بار فضای امپایراستیت (یکی از برج‌های معروف نیویورک) را پر کند.

حتی گفته می‌شود اگر آمریکایی‌ها میزان اسراف خود را فقط ۵ درصد کم کنند، می‌توان به چهار میلیون نفر در این کشور غذا داد. به این فکر نکنید که غذاهای دورریخته شده و اسراف شده کیفیت پایینی داشته‌اند. آمارها نشانگر این است که ۵۰ درصد کل تولیدات دریایی شامل ماهی و... در آمریکا هدر می‌رود.

در همین کشور ۴۰ درصد از گیاهان رشد کرده و رسیده، اساساً مصرف نمی‌شوند. آمار اسراف در جهان در حال رشد است و گفته شده است ظرف ۴۰ سال، میزان اسراف در آمریکا ۵۰ درصد رشد کرده است.

وضع در کشور ما نیز مناسب نیست. آمارها نشانگر این است که همه ساله بین ۱۰ تا ۳۰ درصد کل نان تولید شده در کشور، اسراف می‌شود. هم چنین در بخش آب گفته می‌شود میزان هدررفت در بخش خانگی بین ۲۰ تا ۳۰ درصد است. البته در بخش کشاورزی که بیش از اینها شامل هدررفت آب هستیم. بخشی که ۹۲ درصد از آب کشور را می‌بلعد. اگر بتوان تمام اینها را کنار گذاشت، نباید از هدررفت زمان در جهان، ساده عبور کرد؛ یعنی

زمان‌های بیهوده در بخش‌های مختلف نیز بسیار بیش از حد تصور ماست.

## ۸. آزار و اذیت

مهم‌ترین جلوه برای اذیت دیگران در هنگام طبخ غذا، دود و بوی ناشی از پخت آن است که چه بسا موجب اذیت عابرین یا همسایگان گردد. برای حل این معضل می‌توان از تهویه‌های مناسب با فیلترهای خاصی که امروزه تعبیه می‌شود، استفاده کرد و یا زاویه و طول لوله دودکش‌ها را طوری تغییر داد که دود در فضای بالاتر منتشر گردد و موجب اذیت دیگران نشود.

آیات و روایات و نیز فرمایشات فقها، مملو از سخنان دال بر حرمت اذیت دیگران است. امام باقر علیه السلام به شخصی به نام «سلیمان» فرمودند: می‌دانی مسلمان کیست؟ سلیمان عرض کرد: جانم به قربانت! شما آگاه‌تر هستید! امام فرمود: مسلمان کسی است که سایر مسلمانان از (شر) زبان و دست او راحت باشند. سپس فرمود: آیا می‌دانی مؤمن کیست؟

عرض کرد: شما داناترید! امام فرمودند: مؤمن کسی است که مردم او را امین بر اموال و جان‌های خود بدانند. سپس ادامه دادند: حرام است بر مسلمان که بر مسلمان دیگری این کارها را روا دارد: بروی ظلم و ستم نماید؛ او را



رسوا و بی آبرو سازد؛ و به کار پر مشقت مجبور کند.<sup>۱</sup>  
امام صادق علیه السلام فرمودند:

«الْمُؤْمِنُ مَنْ طَابَ مَكْسَبُهُ وَحَسَنَتْ خَلِيقَتُهُ وَصَحَّتْ سِرِّيَّتُهُ وَأَنْفَقَ الْفُضْلَ مِنْ مَالِهِ وَأَمْسَكَ الْفُضْلَ مِنْ كَلَامِهِ وَكَفَى النَّاسَ شَرَّهُ وَأَنْصَفَ النَّاسَ مِنْ نَفْسِهِ؛<sup>۲</sup> (مؤمن کسب حلال دارد؛ دارای اخلاق خوش است؛ باطنی پاکیزه دارد؛ از زیادی مال خود انفاق می کند؛ از زیادی در گفتار خودداری می نماید؛ مردم از شر او در امان هستند؛ و نسبت به مردم با انصاف است.)»

## ۹. رعایت بهداشت

در فصل اول، پیرامون لزوم رعایت بهداشت در نگهداری مواد غذایی نکاتی گفته شد. یکی از مواردی که رعایت امور بهداشتی در آن بسیار ضروری است، طبخ غذا می باشد، دلیل مطلب همان است که قبلاً بدان اشاره شد؛ پولی که مشتری در مقابل دریافت غذا می پردازد، مشروط به «بهداشتی» بودن غذاست و این یک شرط ارتکازی است که تمام عقلا بر آن اتفاق نظر دارند. بنابراین، فروشندهٔ اغذیه موظف به تحویل غذای سالم و

۱. کافی، ج ۲، ص ۲۳۳.

۲. همان، ص ۲۳۵.

به دور از میکروب به مشتری است.  
براین اساس، فروشندگان مواد غذایی لازم است در  
هنگام طبخ به موارد زیر توجه نمایند:

\* از زدن دست آلوده به غذا خودداری کنند؛  
\* حتی الامکان از ارتباط مستقیم دست با مواد  
غذایی خودداری نموده، از دستکش استفاده نمایند؛  
\* پس از دستشویی، دست‌های خود را با صابون  
بشویند؛

\* چنانچه مواد غذایی روی زمین ریخت، آن را از  
روی زمین جمع نکنند و به خورد مشتریان بدهند؛ بلکه  
اگر امکان تمیز کردن وجود ندارد، آن را دور بریزند.  
\* در هنگام طبخ، از مالیدن دست به سایر اعضای  
بدن خودداری کنند؛

\* از مخلوط شدن مواد فاسد یا غیر غذایی، جداً  
جلوگیری نمایند؛

\* گرچه حشرات پاک هستند؛ ولی نشستن آنها  
بر روی مواد غذایی یا خود غذا، برای بیشتر مردم قابل  
اغماض نیست، پس در این جهت تدبیری اندیشه شود و  
در بهداشتی بودن محیط صرف غذا تلاش جدی صورت  
گیرد.

## ۱۰. رعایت طهارت و نجاست

از اموری که اغذیه فروشان و بلکه تمام دست اندر کاران مواد غذایی در هنگام طبخ لازم است توجه نمایند، رعایت مسائل پاکی و نجسی می باشد و توجه داشته باشند که:

۱. چنانچه در حال تهیه غذا دستش برید و خونی شد، به طوری که دست نجس او به مواد غذایی برخورد می نماید، نمی تواند با همان دست به کار خود ادامه دهد؛ بلکه لازم است ابتدا دست خود را تطهیر نموده و یا دستکش به دست کند.

۲. چنانچه فضله موش یا هر چیز نجس دیگری داخل غذا یافت شد، به طوری که معلوم گردید غذا نجس شده است، حق ندارد آن غذا را به خورد کسی دهد.

۳. اگر در روغن، شیر، سس، آبمیوه و چیزهایی از این قبیل که مایع هستند، نجسی بیفتد، تمام آن متنجس می گردد و قابل تطهیر نیست.

۴. از آنچه قبلاً به عنوان نجس بر شمردیم، اجتناب کند؛ مثلاً سگی که در خشکی زندگی می کند، یکی از نجاسات است، پس اگر به عنوان نمونه دست آشپز یا بدن سگ خیس بوده و به همدیگر برخورد کرده، دست آشپز نجس شده و لازم است حتماً قبل از اقدام به هر کاری،

دست خود را آب بکشد و هم چنین ظروف و وسایل آشپزی خود را از معرض سگ دور نگهدارد.

۵. طباحی در ظرف نجس نیز جایز نیست و باید قبل از به کار گرفتن ظرف متنجس، آن را شست و چنانچه سگ از ظرفی چیز مایع بخورد یا آب دهانش در آن بریزد، با شستن تنها، پاک نمی شود؛ بلکه ابتدا باید آن را با خاک پاک، خاک مالی کند و سپس با آب قلیل، کَرِّیا جاری دو بار و یا بنا بر احتیاط واجب، با آب باران یکبار شستشو شود تا پاک گردد.<sup>۱</sup>

### ۱۱. پرداخت قبض

از مطالب مهم در معاملات، پرداخت طلب اشخاص حقیقی و حقوقی است. براین اساس، لازم است همگان براین قانون پایبند باشند. یکی از اموال عمومی، هزینه قبوض آب، برق، گاز و تلفن است.

س: چنانچه شخصی انشعاب گازش برخلاف موازین قانونی است، یا به هر روشی بتواند هزینه گاز عمومی را پرداخت ننماید و یا اینکه کپسول گاز و یا هر سوخت دیگر را به طریق غصب و دزدی به دست آورده باشد، غذایی که با این سوخت پخته می شود، چه حکمی خواهد داشت؟

۱. توضیح المسائل امام خمینی رحمته الله علیه، ص ۴۱.

جواب: ظاهراً غذا حرام نمی‌شود؛ ولی پول آنچه را از سوخت غصبی استفاده نموده است، به صاحبش یا بیت المال بدهکار می‌شود و این بدهکاری بر عهده او باقی است تا دین خود را پرداخت یا صاحب حق او را بریء الذمه نماید؛ ولی به هر حال باید توجه داشت که مراجع بزرگوار شیعه مخالفت با قوانین جمهوری اسلامی را جایز نمی‌شمرند.

## ۱۲. سفارش طبخ

گاهی کسی یا افرادی، سفارش طبخ غذای خاصی را می‌نمایند، در این صورت وظیفهٔ اغذیه فروش و آشپز چیست؟

ج: چنانچه اغذیه فروش یا آشپز آن سفارش را پذیرفته باشد، موظف است به وعدهٔ خود عمل نموده، با همان ویژگی سفارش شده غذا را آماده کند و در غیر این صورت، معلوم نیست مستحق اجرت باشد؛ زیرا اجیر (در بحث ما، آشپز یا اغذیه فروش) وظیفه دارد طبق آنچه با او شرط شده است، عمل نموده، از محدودهٔ آنچه موجر (سفارش دهندهٔ غذا) مشخص کرده است، خارج نشود. علاوه بر اینکه وفا به عهد، بخشی از عظمت روحی و کرامت نفس و دستور قرآنی است که می‌فرماید:

﴿أَوْفُوا بِالْعَهْدِ إِنَّ الْعَهْدَ كَانَ مَسْئُولًا﴾؛ (به عهد [خود] وفا کنید که از عهد سؤال می شود!)

البته این هرگز به معنای آن نیست که لازم است اهل معصیت را در گناه خود یاری نمود؛ بلکه چنانچه وعده کار حلالی (مثل پخت و طبخ غذا) به کسی داده شد، باید به وعده عمل نمود؛ چه طرف مقابل شخص خوبی باشد یا نباشد.

امام باقر علیه السلام فرمودند: «در سه مورد خداوند رخصت و اجازه تخلف نداده است: رد کردن امانت به صاحب مال؛ چه مالک آن شخص نیکی باشد یا نه. وفای به وعده؛ اعم از اینکه شخص وعده داده شده متقی باشد یا نباشد. نیکی به والدین؛ چه آنها خوب باشند یا نه».<sup>۲</sup>

۱. اسراء / ۳۴.

۲. کافی، ج ۲، ص ۱۶۳.

بخش سوم

فروش





لازم است در این فصل احکام فروش اغذیه را مطرح نموده، توجه فروشندگان محترم را در این خصوص به مسائلی جلب نماییم:

### ۱. آشنایی با احکام

این شعار حضرت علی عَلَيْهِ السَّلَام است که:

«الْفِقْهَ ثُمَّ الْمُنَجَّرَ» (اول آشنایی با احکام معاملات، سپس تجارت).

اصبغ بن نباتة (از اصحاب خاص امیرالمؤمنین عَلَيْهِ السَّلَام) می‌گوید: از امام علی عَلَيْهِ السَّلَام شنیدم که برفراز منبر دو بار فرمود: «ای بازرگانان! اول آشنایی با احکام، سپس تجارت.» سپس فرمود: «به خدا قسم! ربا در این امت از راه رفتن مورچه بر روی سنگ مخفی تر است. اموال خود را با صدقه حفظ کنید. تاجر فاجراست و فاجر در آتش، مگر

آن که حق بگیرد و حق بپردازد»<sup>۱</sup>.  
 و در حدیث دیگر چنین آمده است: مردی به  
 امیرالمؤمنین علیه السلام عرض کرد: ای امیر مؤمنان! می خواهم  
 تجارت کنم. حضرت فرمودند: آیا احکام آن را آموخته ای؟  
 پاسخ داد: پس از اشتغال به تجارت، احکام شرعی آن را  
 نیز فرا می گیرم! امام فرمود: توجه داشته باش! اول آگاهی،  
 سپس تجارت؛ زیرا کسی که خرید و فروش کند و از حرام و  
 حلال سؤال نکند، آهسته آهسته در با فرو خواهد رفت.<sup>۲</sup>  
 فقها در ابتدای بحث های فقهی خرید و فروش  
 آورده اند: «یاد گرفتن احکام معاملات به قدر نیاز، لازم  
 (واجب) است».<sup>۳</sup>

پس کسی که وارد معاملات می شود، می بایست قبل  
 از هر چیز احکام آن را فرا گرفته، از آگاهی های فقهی در  
 زمینه احکام خرید و فروش بهره مند گردد.

آشنایی با احکام داد و ستد دارای فواید زیر است:

۱. عمل به وظیفه؛ زیرا یاد گرفتن احکام یک تکلیف  
 عمومی است که ائمه علیهم السلام و به دنبال آن فقها برای همگان  
 و از جمله برای طرفین در معامله مشخص نموده اند.
۲. دوری از وقوع و ارتکاب حرام ها.

۱. من لا یحضره الفقیه، ج ۳، ص ۱۹۴.

۲. مستدرک الوسائل، ج ۱۳، ص ۲۴۷.

۳. توضیح المسائل محشی، ج ۲، ص ۱۹۴.

۳. مصون ماندن از ربا؛ چراکه برخی از مصادیق ربا دقیق بوده و جز برای آشنایان با احکام الهی، روشن نمی‌گردد و در ثانی، رباخور، گرچه نداند که مالش از رباست، مال حرام اثر خود را بروی و خانواده‌اش می‌گذارد.

۴. حفظ حقوق شرعی طرفین معامله.

## ۲. عمل به احکام

پس از آشنایی با احکام معاملات، لازم است طرفین معامله به وظیفه خود عمل نموده، خود را از وقوع در حرام حفظ کنند؛ زیرا به کار بستن و عمل به احکام شرعی نه تنها سبب محروم شدن از روزی نمی‌شود؛ بلکه برکت خداوند متعال را نازل می‌کند و درآمد حرام، نه تنها سبب زیاد شدن روزی نمی‌گردد؛ بلکه وی را از نعمت‌های خداوند بی‌نصیب نموده، آتش دوزخ را در پی خواهد داشت.

پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ می‌فرماید:

«لَحْمٌ نَبَتَ مِنَ الْحَرَامِ فَالْتَأَرُ أَوْلَى بِهِ؛<sup>۱</sup> (گوشت بدنی که از حرام رشد نموده است، آتش [جهنم] برای آن سزاوارتر است).

بنابراین، تجارت کنندگان گرامی موظف هستند

۱. مستدرک الوسائل، ج ۱۶، ص ۲۰۸.

«قطار خرید و فروش» را تنها بر «ریل حلال الهی» حرکت داده، خود و خانواده خویش را از برکات خداوند خیر الرازقین بهره‌مند سازند.

### ۳. غذای حرام

چنانچه صاحب غذا در هنگام فروش متوجه شود که غذا حرام است (چه به خاطر متنجس بودن و یا هر علت دیگری) باید از فروش آن خودداری کند و اگر مشتریان مشغول خوردن غذا هستند، لازم است به آنان اطلاع دهد تا دست بکشند و مشتریانی که غذا را با خود بیرون برده‌اند، اگر آنها را می‌شناسد، لازم است به ایشان نیز اطلاع دهد.

### ۴. ماه مبارک رمضان

س: آیا فروش اغذیه در روز ماه مبارک رمضان جایز است؟

ج: به طور مسلم باز بودن فروشگاه‌های اغذیه آماده و ارائه غذا به طور رسمی در روز ماه مبارک رمضان به مشتریان، مصداق هتک حرمت احکام خداوند به شمار رفته، تعدی و تجاوز از حدود خداوند محسوب می‌گردد و جایز نیست.

## ۵. معامله با کودکان

بلوغ، شرط در صحت معاملات است، لذا:

۱. معامله با بچه نابالغ باطل است، اگرچه پدر یا جدّ او اجازه داده باشند که معامله کند.
۲. اگر بچه ممیز باشد و چیز کم قیمتی را که معامله آن برای بچه‌ها متعارف است، معامله کند، اشکال ندارد.
۳. اگر طفل وسیله‌ای باشد که پول را به فروشنده بدهد و جنس را به خریدار برساند یا برعکس (چون واقعاً دو نفر بالغ با یکدیگر معامله کرده‌اند) چنین معامله‌ای صحیح است، البته باید فروشنده و خریدار یقین داشته باشند که طفل جنس و پول را به صاحب آن می‌رساند.<sup>۱</sup>

البته برای اطلاع از تفصیل بیشتر این مسئله، لازم است فروشندگان محترم به رساله مرجع تقلید خویش مراجعه نموده، کسب تکلیف نمایند.

## ۶. معامله با دیوانه

معامله با دیوانه باطل است؛ زیرا او در هنگام خرید و فروش توجه و قصد ندارد. فقها یکی از شرایط صحت معاملات را «عقل» دانسته‌اند و می‌فرمایند: برای فروشنده و خریدار شش چیز شرط است:

۱. توضیح المسائل امام خمینی رحمته‌الله، ص ۴۲۷، مسئله ۱۹۷۴.

اول آنکه بالغ باشند؛  
دوم آنکه عاقل باشند؛  
سوم آنکه حاکم شرع آنان را از تصرف در اموالشان  
جلوگیری نکرده باشد؛  
چهارم آنکه قصد خرید و فروش داشته باشند، پس اگر  
مثلاً به شوخی بگوید: مال خود را فروختم، معامله باطل  
است؛

پنجم آنکه کسی آنها را مجبور نکرده باشد؛  
و ششم آنکه جنس و عوضی را که می دهند، مالک  
باشند (یا مثل پدر و جدّ صغیر، اختیار مال در دست آنان  
باشد).<sup>۱</sup>

البته گرچه داد و ستد با دیوانه باطل است؛ اما  
بخشیدن غذا یا هر مال دیگری به طور رایگان به وی اشکال  
ندارد.

## ۷. اختلاط زن و مرد

گاهی مشاهده می شود در محل فروش اغذیه زن و مرد  
مختلط هستند، به گونه ای که ازدحام حاضرین سبب  
نگاه یا حرام های دیگر می شود. در این میان، چه بسا افراد  
آلوده به گناه مکان های پر ازدحام را بهانه یا زمینه معصیت

۱. توضیح المسائل محشی، ج ۲، ص ۲۱۶.

خود قرار می دهند که لازم است فروشندگان محترم محل کسب و کار خود را از آلودگی به گناه پاک سازند تا کارشان برکت یابد.

خدای متعال می فرماید:

﴿وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ آمَنُوا وَاتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِّنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ وَلَٰكِن كَذَّبُوا فَأَخَذْنَاهُم بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ﴾؛ (و اگر اهل شهرها و آبادی ها، ایمان آورده، تقوا پیشه می کردند، برکات آسمان و زمین را بر آنها می گشودیم؛ ولی [آنها حق را] تکذیب کردند، ما نیز آنان را به کیفر اعمالشان مجازات کردیم).

که یکی از این مجازات ها، بردن برکت از کسب است؛ چه خود شخص معصیت کار باشد و چه زمینه را برای معصیت دیگران فراهم سازد.

## ۸. شوخی با نامحرم

از دیگر مسائلی که در هنگام فروش اجناس و از جمله فروش غذایی یادآوری آن ضروری است، شوخی نامحرمان با یکدیگر است. باید توجه داشت که ائمه علیهم السلام ما را از این کار منع کرده اند.

ابوبصیر (از اصحاب امام باقر و صادق علیهم السلام) که نابینا

بود) می‌گوید: من برای خانمی کلاس خصوصی درس قرآن داشتم. روزی با او شوخی کردم. پس از مدتی خدمت امام باقر علیه السلام رسیدم. آن حضرت مرا سرزنش نموده، فرمود: کسی که در خلوت خود مرتکب گناه گردد، خداوند به او اعتنایی نخواهد کرد. آن گاه فرمود: به آن زن چه گفتی؟! من از خجالت چهره خود را پوشانده و توبه کردم. امام فرمود: دیگر تکرار نشود!

باید به دو نکته در این رابطه توجه داشت:

الف) بسیاری از مواقع شیطان با وسوسه، ابتدا شوخی کردن بین نامحرمان را رواج می‌دهد و پس از اینکه حیای بین آنان را برداشت، ارتباط غیرشرعی را نیز برای آنان تسویل<sup>۲</sup> می‌کند.

ب) برخی افراد ممکن است روزهای اول در برابر نامحرم خویشتن داری کنند و از هرگونه ارتباط غیرشرعی خود را حفظ نمایند؛ ولی کم کم و مخصوصاً با حضور افراد (نامحرمان) مغرض که با انواع وسایل آرایشی و

۱. الخرائج والجرائح، ج ۲، ص ۵۹۴.

۲. تسویل به معنای زیبا جلوه دادن کار زشت و گناه است؛ که از جمله کارهای شیطان زیبا جلوه دادن اعمال زشت است. خدای متعال در قرآن کریم می‌فرماید: ﴿وَرَزَيْنَ لَهُمُ الشَّيْطَانَ أَعْمَالَهُمْ فَصَدَّهُمْ عَنِ السَّبِيلِ فَهُمْ لَا يَهْتَدُونَ﴾؛ (و شیطان اعمالشان را برایشان آراسته و آنان را از راه [راست] بازداشته بود، در نتیجه [به حق] راه نیافته بودند). نمل / ۲۴.



عشوه‌گری‌ها پیش می‌آیند، شخص را منحرف سازند، پس باید از همان آغاز راه هرگونه شوخی و سوءاستفاده را ببندند.

## ۹. کم فروشی

مقصود از کم فروشی این است که فروشنده کم‌تر از مقدار توافق شده با مشتری یا کم‌تر از مقدار متعارف، غذا در اختیار مشتری بگذارد. در این جهت فرقی نیست که از کمیت غذا بکاهد یا از کیفیت آن.

جالب است بدانیم که در قرآن کریم، سوره‌ای به نام «مطففین» به معنای کم‌فروشان، اختصاص یافته است. در این سوره می‌فرماید:

﴿وَيْلٌ لِّلْمُطَفِّفِينَ الَّذِينَ إِذَا اكْتَالُوا عَلَى النَّاسِ يَسْتَوْفُونَ  
وَإِذَا كَالُوهُمْ أَوْ وَزَنُوهُمْ يُخْسِرُونَ أَلَا يَظُنُّ أُولَئِكَ أَنَّهُمْ  
مَبْعُوثُونَ لِيَوْمٍ عَظِيمٍ يَوْمَ يَقُومُ النَّاسُ لِرَبِّ الْعَالَمِينَ﴾؛  
(وای بر کم‌فروشان! آنان که وقتی برای خود پیمانانه می‌کنند، حق خود را به طور کامل می‌گیرند؛ اما هنگامی که می‌خواهند برای دیگران پیمانانه یا وزن کنند، کم می‌گذارند! آیا آنها گمان نمی‌کنند که روزی برانگیخته می‌شوند؟ در روزی بزرگ! روزی که مردم در پیشگاه

پروردگار جهانیان می ایستند!)  
 و در جای دیگر می فرماید:  
 ﴿وَأَوْفُوا الْكَيْلَ وَالْمِيزَانَ بِالْقِسْطِ﴾؛ (و حق پیمانان و  
 وزن را به عدالت ادا کنید!)

### ۱۰. گران فروشی

س: آیا گران فروشی حرام است؟  
 ج: گرچه گران فروشی حرام نیست؛ زیرا فروشنده و  
 خریدار اختیار ملک خود را دارند و به هر قیمت که به  
 توافق برسند، می توانند معامله نمایند؛ اما تذکره سه نکته  
 لازم است:

۱. گران فروشی خلاف انصاف و اخلاق است و موجب  
 بی برکتی کسب می شود. فقها فرموده اند: مستحب است  
 فروشنده سود معامله خود را بین مشتریان توزیع نماید، نه  
 اینکه به یک نفر گران و به یک نفر ارزان بفروشد. و چنانچه  
 فروشنده سود امروز خود را به دست آورد، از مشتریان دیگر  
 سود دریافت ننماید.<sup>۲</sup>

۲. اگر مشتری پس از خرید متوجه شد که جنس را  
 گران تر از بازار خریده است، می تواند معامله را به هم بزند.

۱. انعام/ ۱۵۲.

۲. اللعة دمشقیة فی فقه الامامیة، ص ۱۰۹: «یستحب تَرْكُ الرِّبْحِ عَلَى  
 الْمُؤْمِنِينَ إِلَّا مَعَ الْحَاجَةِ فَيَأْخُذُ مِنْهُمْ نَفَقَةً يَوْمَ مُوزَعَةً عَلَى الْمُعَامِلِينَ».

همان طور که اگر فروشنده به دلیل عدم اطلاع متوجه گردد جنس را ارزان تر از قیمت بازار فروخته است، می تواند معامله را به هم بزند.<sup>۱</sup>

۳. جواز گران فروشی مربوط به شرایط عادی است؛ اما اگر امر فوق العاده ای رخ دهد، مثل اینکه حاکم شرع حکم نماید، یا حکومت اسلامی که تحت نظارت مجتهد جامع الشرایط است، قوانینی را تصویب نماید، صورت مسئله تغییر خواهد کرد.

## ۱۱. فاسد بودن غذا

س: اگر فروشنده غذای فاسد را بفروشد و مشتری بر اثر خوردن آن مریض شود یا فوت کند، آیا فروشنده ضامن و مدیون است یا نه؟

ج: این مسئله دارای دو صورت می باشد:

اول: فروشنده می دانسته غذا فاسد است؛ در این صورت چنانچه خسارتی بر مشتری یا هر شخص دیگری وارد شود، به طور مسلم فروشنده یا دست اندر کاران تولید غذا ضامن و مدیون واقع می شوند.

دوم: فروشنده از فاسد بودن غذا بی اطلاع بوده است؛ در این صورت ظاهراً فروشنده مدیون نیست؛ چراکه نقشی

۱. از این گونه جواز برهم زدن معامله در کتاب های فقهی به «خیار عبن» تعبیر می شود.

در آسیب مشتریان نداشته است؛ ولی برای اطلاع بیشتر باید به رساله یا فتوای مرجع تقلید خود مراجعه شود.

## ۱۲. مستحبات فروش

فقه‌های بزرگوار برای فروشندگان و مشتریان آداب و مستحباتی را مطرح نموده‌اند که این احکام مختص به فروش اغذیه نبوده؛ بلکه شامل تمام معاملات می‌شود. برخی از آن مستحبات عبارتند از:

۱. یادگیری احکام معاملات؛
۲. یکسان برخورد نمودن فروشنده با مشتریان؛
۳. چنانچه یکی از دو طرف (فروشنده و مشتری) تقاضای فسخ معامله را نمود، طرف مقابل بپذیرد؛
۴. ترک قسم از جانب فروشنده و مشتری؛
۵. زینت نکردن کالا بیش از حد؛
۶. یادآور شدن نقص کالا، چنانچه معیوب است؛
۷. عدم دقت بیش از حد، مثلاً گاهی مشاهده می‌شود که فروشنده هنگام وزن کردن، در یک یا دو گرم نیز حساسیت نشان می‌دهد؛ بلکه مستحب است فروشنده مقدار کالا را بیشتر پرداخت نموده و از مشتری کمتر از مقدار توافق دریافت نماید (البته برای مشتری عکس این مطلب مستحب است)؛
۸. از کالای خود زیادی تعریف نکند؛

۹. به مقدار مخارج همان روز خود سود بر جنس دریافت کند و زمانی که مخارج آن روزش به دست آمد، از آن پس سود نگیرد؛
۱۰. چنانچه به کسی وعده احسان و نیکی داده است (مثل اینکه به شخصی بگوید: اگر به مغازه من مراجعه کنی، مراعات تو را خواهم نمود) از آن شخص سود دریافت نکند؛
۱۱. با افراد پست و نیز کسانی که اموال آنان شبهه ناک است، معامله نکند؛
۱۲. چنانچه بین دو نفر صحبت های مقدماتی داد و ستد رد و بدل می شود، خود را وارد معامله آنان نکند.



بخش چهارم

مشتریان





آخرین فصل این مجموعه را به احکام مراجعه مشتریان به مراکز اغذیه فروشی و خرید غذا اختصاص می دهیم.

### ۱. شک در حلیت

س: چنانچه مشتری در حلال و حرام بودن غذای فروشنده شک داشته باشد، تکلیف او چیست؟ آیا می تواند از وی خرید نماید؟

ج: در فرض سؤال، می تواند از او خرید نماید و بنا را بر «حلیت» بگذارد. در بنا بر حلال بودن، فرقی بین اقسام شک وجود ندارد:

\* آیا اغذیه فروش از حیوان حلال گوشت استفاده کرده یا حرام گوشت؟

\* آیا حیوان حلال گوشت را طبق دستور شرع ذبح کرده اند یا نه؟

\* آیا در غذا، از اجزای حلال حیوان استفاده شده یا از

اجزای حرامش؟

\* آیا غذا نجس است یا پاک؟

\* آیا مواد غذایی مال مردم است یا اینکه از خود اغذیه

فروش می باشد؟

\* در صورت شراکتی بودن اغذیه فروشی، آیا فروشنده

از شریک خود اجازه فروش دارد یا نه؟

...و

در تمام موارد فوق بنا بر حلال و پاک بودن غذا گذاشته شده، خرید اغذیه از فروشگاه یا مغازه مورد نظر جایز است؛ زیرا مسلمانان باید به یکدیگر خوش گمان بوده، در موارد شک در عمل یکدیگر، آن عمل را حمل بر صحت نمایند. از این قانون به «صَحِّتِ کار مسلمان» و یا «حجیت بازار مسلمین» تعبیر می شود.

«قُتَادَةُ» از امام صادق ع پرسید: آیا می توان از بازار مسلمانان پنیر خریداری و استفاده کرد؟ امام فرمود:

«فَاشْتَرِ الْجُبْنَ مِنْ أَسْوَاقِ الْمُسْلِمِينَ مِنْ أَيْدِي الْمُصَلِّينَ وَ لَا تَسْأَلْ عَنْهُ إِلَّا أَنْ يَأْتِيَكَ مَنْ يُخْبِرُكَ عَنْهُ»<sup>۲</sup> (از بازار مسلمانان [که مشهور به اسلام و نماز هستند] پنیر خریداری کن و

۱. با توجه به اینکه در آن زمان، مایه پنیر را از ماده ای که از معده گوساله و بزغاله به دست می آمد، می گرفتند و در برخی موارد در این زمینه از حیوان مرده نیز استفاده می کردند، لذا برای قناده این سؤال پیش آمده بود.

۲. کافی، ج ۶، ص ۲۵۶.

سؤال و تفحص از حلال و حرام بودن آن نکن، مگر اینکه در موردی خبر معتبر آورده شود که فلان پنیر حرام است).  
امام صادق علیه السلام در اهمیت حمل فعل مسلمان بر صحت می فرماید:

«لَوْ لَمْ يَجْزْ هَذَا لَمْ يَقُمْ لِلْمُسْلِمِينَ سُوقٌ»<sup>۱</sup> (اگر حمل بر صحت جاری نشود، بازاری برای مسلمین برپا نخواهد شد).

### دو نکته

اول: آنچه گفته شد، در صورت «شک» بود؛ ولی اگر مشتری به هر دلیلی یقین کرد که غذای فروشنده حرام است، نمی تواند از او خریداری کند.  
دوم: در لزوم توجیه و حمل کار مسلمان بر صحت و نیز حجیت بازار مسلمانان، فرقی نیست  
بین اینکه فروشنده پیرو کدام یک از مذاهب اسلامی<sup>۲</sup> باشد.

### ۲. شک در دین

در شهرهای بزرگ، غالباً فروشنده و مشتری یکدیگر را نمی شناسند. بر این اساس، ممکن است مشتری در

۱. همان، ج ۷، ص ۳۸۷.

۲. یعنی فرقی بین شیعه، شافعی، حنفی، حنبلی، مالکی، زیدی و... وجود ندارد.

مسلمان بودن فروشنده شک کند؛ زیرا چنانچه قبلاً (در فصل اول) ذکر شد، یکی از نجاسات، شخص کافر است. اینک سؤال این است که: در این فرض، آیا تفحص از دین فروشنده لازم است یا خیر؟

ج: این مسئله دارای دو صورت می باشد:

### الف) مملکت اسلامی

مقصود از مملکت اسلامی این است که اشخاصی (نه حاکمان و دولت) که در آن کشور زندگی می کنند، مسلمان هستند.<sup>۱</sup> در این صورت، بنا بر مسلمان بودن فروشنده گذاشته می شود و تفحص لازم نیست. به این استفتا که از امام خمینی علیه السلام صورت گرفته است، توجه کنید:

س: شخصی که دین او مشخص نیست و از کشور دیگری برای کار وارد کشور اسلامی شده و مغازه اغذیه فروشی دایر کرده و کار او فروش مواد خوراکی است، هنگام فروش، ماده غذایی با بدن او که رطوبت مسریه<sup>۲</sup> دارد، تماس پیدا می کند، آیا باید از او درباره دینش سؤال کرد یا اینکه اصل پاک بودن اشیاء جاری می شود؟

ج: سؤال از دین او واجب نیست و اصل طهارت اشیاء

۱. اعم از اینکه شیعه باشند یا غیر آن.

۲. سرایت کننده.

نسبت به وی و چیزی که با وجود رطوبت با بدن او در تماس است، جاری می‌شود.<sup>۱</sup>

### ب) مملکت کفر

در این صورت تفحص از دین فروشنده لازم است، مگر اینکه انسان یقین کند که در غذا، از حیوانات تهیه نشده است (زیرا ذبح شرعی نشده) و نیز احتمال دهد که دست فروشنده به غذا برخورد نکرده است.<sup>۲</sup> با این دو شرط، گرچه یقین به کفر فروشنده<sup>۳</sup> اغذیه داشته باشد، خریداری از او اشکال ندارد.

### ۳. اطلاع رسانی

س: چنانچه مشتری وارد فروشگاه مواد غذایی شد و چیزنجسی را مشاهده کرد، اطلاع دادن به فروشنده یا سایر مشتریان بر او واجب است یا خیر؟

ج: این سؤال کلی است و باید جزئی تر شده، زوایای هر قسمت از مطلب کاملاً روشن گردد. از این رو، سؤال مزبور را به سه سؤال ریزتر تبدیل نموده، پاسخ هریک را به طور مستقل توضیح می‌دهیم:

۱. چنانچه مشتری وارد مغازه شود و ملاحظه کند

۱. توضیح المسائل محشی، ج ۱، ص ۱۴۴.

۲. مقصود، برخورد سرایت کننده است، مثل اینکه دست یا غذا خیس باشد.

قسمتی از فروشگاه یا یکی از ابزار داخل آن نجس است، آیا لازم است فروشنده و صاحب مغازه را مطلع سازد؟  
ج: اطلاع دادن لازم نیست.

۲. چنانچه مغازه یا یکی از اثاثیه‌های داخل آن توسط مشتری نجس شود، باید به فروشنده و مالک آن فروشگاه اطلاع دهد یا خیر؟

ج: اصولاً اطلاع رسانی در مورد نجس بودن اشیاء لزومی ندارد، مگر آنکه شخص چیزی را نجس کرده باشد که در خوردن و آشامیدن یا ظروف مرتبط با غذا به کار می‌رود که در این صورت اطلاع دادن لازم است.

همین سؤال در مورد میهمان از محضر مراجع تقلید صورت گرفته است که اگر میهمان یکی از اثاثیه‌های میزباننش را نجس کند، مطلع کردن میزبان واجب است یا نه؟ فقها پاسخ داده‌اند: اطلاع دادن در غیر از خوردنی و آشامیدنی و ظرف‌های غذا، لازم نیست.<sup>۱</sup>

۳. اگر مشتری ملاحظه کند غذا نجس است، آیا لازم است به فروشنده یا بقیه مشتری‌ها اطلاع دهد؟

ج: لازم نیست و بلکه نباید به فروشنده و سایر مشتریان اطلاع دهد؛ بلکه فقط خودش نباید از آن غذا بخورد یا استفاده کند.

۱. توضیح المسائل محشی، ج ۱، ص ۱۴۱.

#### ۴. سفارش غذا

اگر مشتری سفارش غذا داد و به فروشنده قول دهد که در فلان ساعت برای بردن آن اقدام می‌کند، موظف است در موعد مقرر مراجعه نموده، غذای خود را تحویل بگیرد. اما سؤال این است که در صورت تأخیر، آیا فروشنده می‌تواند آن غذا را به دیگری بفروشد؟

ج: اگر ماندن غذا سبب فاسد شدن و یا افت آن می‌گردد، فروشنده می‌تواند آن غذا را به دیگری بفروشد؛ گرچه مشتری بیعانه یا تمام پول غذا را داده باشد.<sup>۱</sup>

#### ۵. وارد کردن خسارت

اگر مشتری بر فروشگاه یا مغازه یا یکی از ابزار و وسایل آن، خسارت و ضرری وارد کند، مدیون و موظف به جبران خسارت است. و هم چنین اگر یکی از وسایل اغذیه‌فروشی را سرقت نماید.

##### یادآوری چند نکته:

۱. در حکم مزبور (لزوم جبران خسارت)، فرقی نیست بین اینکه تلف کننده بالغ باشد یا نابالغ.
۲. هم چنین در حکم ذکر شده تفاوتی بین عمدی و سهوی نیست. مثلاً اگر سهواً ظرف از دست مشتری بیفتد

۱. یکی از موارد جواز فسخ معامله «خیار ما یفسد لیومه» است.

و بشکنند، باز هم باید خسارت آن را بپردازد.  
 ۳. چنانچه صاحب جنس تلف شده، تلف کننده را  
 ببخشد، چیزی بر عهده تلف کننده نیست.

س: راه جبران خسارت چیست؟  
 ج: تلف شدن جنس دارای چند صورت است که  
 حکم هریک با دیگری تفاوت دارد:  
 الف) صورت اول این است که خود آن جنس بدون  
 نقص وجود دارد (مثل اینکه جنس را سرقت نموده و الآن  
 نیز آن را در اختیار دارد)؛ در این مورد باید همان جنس را  
 عیناً به صاحبش برگرداند.

ب) یا اینکه بر جنس خسارتی وارد شده و معیوب  
 گردیده؛ اما قابل اصلاح است؛ در این صورت لازم است  
 کسی که خسارت را وارد نموده، هزینه اصلاح آن را بپردازد.  
 ج) و یا جنس، به طور کلی تلف شده باشد؛ در این  
 مورد چنانچه مثل آن در بازار یافت می شود، باید مثل آن  
 پرداخت شود؛ وگرنه باید قیمت آن جنس پرداخت گردد.<sup>۱</sup>

## ۶. آداب خوردن و آشامیدن

فقها برای خوردن و آشامیدن آدابی را طبق روایات  
 بیان فرموده اند که در رساله های عملیه بخشی از آنها

۱. این ترتیب بندی از امور مورد اتفاق فقها به شمار می رود.



مطرح شده است. این آداب شامل دو بخش مستحبات و مکروهات است.

### مستحبات خوردن و آشامیدن

در توضیح المسائل فقها پیرامون مستحبات خوردن و آشامیدن چنین می‌خوانیم:

چند چیز در غذا خوردن مستحب است:

- هر دو دست را پیش و بعد از غذا بشوید و با دستمال خشک کند؛
- میزبان پیش از همه شروع به غذا خوردن کند و بعد از همه دست بکشد؛
- پیش از غذا ابتدا میزبان دست خود را بشوید، بعد کسی که طرف راست او نشسته و همین‌طور تا برسد به کسی که طرف چپ او نشسته و بعد از غذا ابتدا کسی که طرف چپ میزبان نشسته دست خود را بشوید و همین‌طور تا به طرف راست میزبان برسد؛
- هنگام شروع غذا «بسم الله» بگوید؛ ولی اگر سریک سفره چند نوع غذا باشد، در وقت خوردن هر کدام آنها، گفتن «بسم الله» مستحب است؛
- با دست راست غذا بخورد؛
- اگر با دست و بدون قاشق غذا می‌خورد، با سه

- انگشت یا بیشتر غذا بخورد و با دو انگشت نخورد؛
- اگر چند نفر سر یک سفره نشسته‌اند، هر کسی از غذای جلوی خودش بخورد؛
- لقمه را کوچک بردارد؛
- سر سفره زیاد بنشیند و غذا خوردن را طول بدهد؛
- غذا را خوب بجود؛
- بعد از غذا خداوند عالم را حمد کند؛
- چنانچه با دست غذا خورده، انگشت‌هایش را بلیسد؛
- بعد از غذا خلال نماید؛ ولی با چوب انار و چوب ریحان و نی و برگ درخت خرما خلال نکند؛
- آنچه بیرون سفره می‌ریزد، جمع کند و بخورد؛ ولی اگر در بیابان غذا بخورد، مستحب است آنچه می‌ریزد، برای پرندگان و حیوانات بگذارد؛
- در اول روز و ابتدای شب غذا بخورد و در بین روز و بین شب غذا نخورد؛
- بعد از خوردن غذا به پشت بخوابد و پای راست را روی پای چپ بیندازد؛
- در آغاز و آخر غذا قدری نمک بخورد؛
- میوه را پیش از خوردن، با آب بشوید.<sup>۱</sup>

۱. توضیح المسائل محشی، ج ۲، ص ۱۰۵.

## مکروهات خوردن و آشامیدن

- در حال سیری غذا خوردن؛
- پر خوردن؛
- خوردن و آشامیدن برای جنب، مگر آنکه اول قدری آب مضمضه<sup>۱</sup> و استنشاق<sup>۲</sup> نماید؛
- زیاد نگاه کردن به صورت دیگران در موقع غذا خوردن؛
- خوردن غذای داغ؛
- فوت کردن چیزی که می خورد یا می آشامد؛
- بعد از گذاشتن نان در سفره، منتظر چیز دیگر شدن؛
- پاره کردن نان با کارد؛
- گذاشتن نان زیر ظرف غذا؛
- پاك کردن گوشتی که به استخوان چسبیده، به طوری که چیزی در آن نماند؛
- پوست کندن میوه؛<sup>۳</sup>
- دور انداختن میوه، پیش از آنکه کاملاً آن را بخورد.<sup>۴</sup>

۱. داخل کردن آب در دهان و گرداندن و سپس بیرون ریختن.

۲. داخل کردن آب در بینی و سپس بیرون ریختن.

۳. ولی با توجه به آنچه گفته می شود که در زمان ما مواد شیمیایی تزریق شده به گیاهان در زیر پوست آن جمع می شود، و یا سموم پاشیده شده روی پوست میوه ها می نشینند، جریان حکم مزبور معلوم نیست.

۴. توضیح المسائل محشی، ج ۲، ص ۶۰۸.

### مستحبات آشامیدن آب

- چیزهایی که موقع آب آشامیدن مستحب است:
- آب را به طور مکیدن بیاشامد؛
- در روز ایستاده آب بخورد و در شب نشسته؛
- پیش از آشامیدن آب «بسم الله» و بعد از آن «الحمد لله» بگوید؛
- در سه نفس آب بیاشامد؛
- از روی میل آب بیاشامد؛
- بعد از آشامیدن آب، ابا عبدالله الحسین و اهل بیت ایشان علیهم السلام را یاد و قاتلان آن حضرت را لعن نماید.

### مکروهات آشامیدن آب

- زیاد آب آشامیدن؛
- آشامیدن آب بعد از غذای چرب؛
- آب آشامیدن ایستاده در شب و نشسته در روز؛
- آشامیدن آب با دست چپ؛
- آشامیدن آب از جای شکسته ظرف و جایی که دسته آن قرار دارد.

بخش پنجم

# روایات آداب خوردن و آشامیدن



### مقدمه

پنجمین فصل کتاب را به ذکر برخی از روایات وارده در آداب خوردن و آشامیدن اختصاص می‌دهیم. طرح این روایات به چند جهت مناسب می‌باشد:

۱. احادیث معصومین علیهم‌السلام نور بوده و سبب تبرک در هر گفتار و نوشتاری است؛
۲. در روایات نکاتی جالب وجود دارد که توجه به هر یک از آنها بخشی از تولید علم به شمار رفته، زاویه جدیدی را برای اذهان می‌گشاید؛
۳. یادآوری احادیث بیانگر جامعیت دین مبین اسلام بوده و نشانگر این نکته است که چگونه بزرگان دین به تمام ابعاد وجودی بشر احاطه داشته و ریزه‌کاری‌های اغذیه را نیز مد نظر داشته‌اند؛
۴. روایات حاکی از این مطلب است که آن بزرگواران در

مورد خوردن و آشامیدن، ما را به چند نکته (در عرض هم) توجه داده‌اند که:

الف) خوردن و آشامیدن و پرهیز از رهبانیت غلط؛  
 ب) نکات بهداشتی و پزشکی در هنگام خوردن و آشامیدن که جامعه آن زمان و حتی زمان ما کمتر به آنها توجه داشته و دارند؛

ج) خواص و عوارض خوردنی‌ها و نوشیدنی‌ها؛  
 د) لزوم تنوع غذایی و تعمیم در استفاده از حلال‌ها که خداوند برای بشر آفریده است؛

ه) فرهنگ و ادب و باورهای دینی و ایمانی.  
 نمونه‌هایی را در این زمینه به عنوان شاهد مطرح می‌نماییم:

۱. یاد خدا و برزبان جاری کردن «بسم الله الرحمن الرحیم» در ابتدای غذا خوردن؛
۲. حمد و تشکر از خداوند در پایان غذا؛
۳. یاد کردن شهادت و تشنگی حضرت سید الشهداء علیه السلام به هنگام نوشیدن آب؛
۴. ادب نشستن در هنگام تناول غذا؛
۵. خودداری از اسراف و پرخوری یا مصرف‌های نادرست و...

اینک با استمداد از خدای متعال، احادیثی را در این



## فصل مطرح می‌نماییم:

### ۱. نکات طبّی

اصبغ بن نباته (از یاران حضرت علی علیه السلام) می‌گوید: شنیدم امیرالمؤمنین علیه السلام به فرزندش امام حسن علیه السلام می‌فرمود: آیا میل داری چند نکته را که به وسیله آنها از طبابت بی‌نیاز شوی، بیان کنم؟ امام مجتبی علیه السلام پاسخ دادند: آری! حضرت فرمودند: بر سفره طعام حاضر نشو [غذا نخور]، مگر اینکه گرسنه باشی؛ از غذا دست نکش، مگر آنکه هنوز اشتها داری [یعنی کاملاً خود را سیر نکن]؛ هنگام غذا خوردن کاملاً آن را بجو؛ قبل از خواب دستشویی برو. آنگاه ادامه دادند: چنانچه بر این چهار امر مواظبت نمایی، از پزشک بی‌نیاز خواهی شد. سپس فرمود: در قرآن آیه‌ای وجود دارد که تمام طبابت در آن جمع شده است، آنجا که می‌فرماید:

۱. «قَالَ الْأَصْبَغُ بْنُ نُبَاتَةَ: سَمِعْتُ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيًّا عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ لِابْنِهِ الْحَسَنِ عَلِيًّا عَلَيْهِ السَّلَامُ: يَا بُنَيَّ! أَلَا أَعْلَمُكَ أَرْبَعَ كَلِمَاتٍ تَسْتَعْنِي بِهَا عَنِ الطَّبِّ؟ فَقَالَ عَلِيًّا عَلَيْهِ السَّلَامُ: بَلَى. قَالَ عَلِيًّا عَلَيْهِ السَّلَامُ: لَا تَجْلِسَ عَلَى الطَّعَامِ إِلَّا وَأَنْتَ جَائِعٌ، وَلَا تَقُمْ عَنِ الطَّعَامِ إِلَّا وَ أَنْتَ تَشْتَهِيهِ، وَ جَوِّدِ الْمَضْغَ، وَإِذَا نَمْتَ فَأَعْرِضْ نَفْسَكَ عَلَى الْحَلَاءِ، فَإِذَا

«بخورید و بیاشامید؛ ولی اسراف نکنید»<sup>۱</sup>!

## ۲. ضررهای پرخوری

لقمان به پسرش چنین فرمود: ای پسر! آنگاه که معده پر شود، فکرمی خوابد و حکمت ناتوان گردد و اعضا از عبادت باز ماند.<sup>۲</sup>

دانشمندان نیز یکی از علل چاقی - که خود منشأ بسیاری از امراض است - را پرخوری دانسته‌اند.<sup>۳</sup>

## ۳. دوازده نکته در خوردن

پیامبر خدا ﷺ در سفارش به امیرالمؤمنین عَلَيْهِ السَّلَام چنین فرمودند: دوازده نکته را شایسته است که انسان مسلمان به هنگام تناول طعام فرا گرفته، مراعات نماید که چهار

اسْتَعْمَلْتُ هَذَا اسْتَعْنَيْتَ عَنِ الطَّبِّ. وَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَام: إِنَّ فِي الْقُرْآنِ لآيَةً تَجْمَعُ الطَّبَّ كُلَّهُ «كُلُّوا وَاشْرَبُوا وَلَا تُسْرِفُوا»؛ بحار الانوار، ج ۵۹، ص ۲۶۷.  
۱. اعراف / ۳۱: برداشت نکات متعدد از آیات که چندان ظهوری برای ما ندارد، متوقف بر بیان معصومین E می باشد؛ چراکه آن بزرگواران مفسران حقیقی قرآن هستند.

۲. «قَالَ لُقْمَانُ لِابْنِهِ: يَا بُنَيَّ! إِذَا امْتَلَأَتِ الْمَعِدَةُ نَامَتِ الْفِكْرَةُ وَخَرَسَتِ الْحِكْمَةُ وَفَعَدَتِ الْأَعْضَاءُ عَنِ الْعِبَادَةِ»؛ مجموعه ورام، ج ۱، ص ۱۰۲.  
۳. پرخوری هم به این اطلاق می شود که انسان در یک وعده زیاد بخورد و هم به اینکه در بین وعده‌های غذایی نیز داریم در حال خوردن و به اصطلاح ریزه‌خواری باشد که این پرخوری‌ها هم انسان را از لحاظ جسمی بیمار می‌کند و هم طبق روایات موجب قساوت قلب می‌شود.

نکته آن واجب و چهار مورد سنت [مستحب] و چهار بند دیگر از آداب به شمار می‌رود؛<sup>۱</sup>

### چهار مورد از واجبات خوردن

۱. بدانند چه می‌خورد (از جهت حلال و حرام یا مضر و غیر مضر بودن)؛
۲. بردن نام خدا به هنگام آغاز تناول غذا؛
۳. حمد و تشکر از خداوند؛
۴. رضایت از روزی که خداوند نصیب او نموده است).

### چهار مورد از سنت های خوردن

۱. نشستن برپای چپ (به طوری که باسن روی زمین قرار گرفته، و تمایل بدن به سمت چپ باشد، مانند نشستن بسیاری از مردم به هنگام خواندن تشهد نماز)؛
۲. غذا خوردن با سه انگشت (در صورتی که با دست غذا می‌خورد)؛

۱. «فِي وَصِيَّةِ النَّبِيِّ ﷺ لِعَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ قَالَ: يَا عَلِيُّ! اثْنَتَا عَشْرَةَ حَخْلَةً يَنْبَغِي لِلرَّجُلِ الْمُسْلِمِ أَنْ يَتَعَلَّمَهَا عَلَى الْمَائِدَةِ: أَرْبَعٌ مِنْهَا فَرِيضَةٌ وَأَرْبَعٌ مِنْهَا سُنَّةٌ وَأَرْبَعٌ مِنْهَا آدَبٌ؛ فَأَمَّا الْفَرِيضَةُ: فَالْمَعْرِفَةُ بِمَا يَأْكُلُ وَالتَّسْمِيَةُ وَ الشُّكْرُ وَ الرِّضَا، وَأَمَّا السُّنَّةُ: فَالْجُلُوسُ عَلَى الرَّجْلِ الْيُسْرَى وَالْأَكْلُ بِثَلَاثِ أَصَابِعٍ وَأَنْ يَأْكُلَ مِمَّا يَلِيهِ وَ مَضَّ الْأَصَابِعَ، وَأَمَّا الْآدَبُ: فَتَصْغِيرُ اللَّقْمَةِ وَ الْمَضْغُ الشَّدِيدُ وَ قَلَّةُ النَّظَرِ فِي وُجُوهِ النَّاسِ وَ غَسْلُ الْيَدَيْنِ»؛ من لايحضره الفقيه، ج ۲، ص ۳۵۲.

۳. خوردن از طعامی که نزدیک او قرار دارد؛
۴. چنانچه با دست غذا خورده است، انگشتان خود را پس از غذا لیسیده، با دهان تمیز نماید.

#### چهار مورد از آداب خوردن

۱. کوچک گرفتن لقمه؛
۲. جویدن کامل غذا؛
۳. کمتر به چهره دیگران نگریستن؛
۴. شستن دست‌ها (قبل و بعد از غذا).

#### ۴. سبزیجات

احمد بن هارون می‌گوید: بر امام رضا علیه السلام وارد شدم. حضرت درخواست پهن شدن سفره نمودند (و سفره پهن شد)؛ ولی سبزی در آن نبود. امام از تناول خودداری نموده، جوانی را - که سفره را حاضر کرده بود - صدا زدند و فرمودند: مگر نمی‌دانی از سفره‌ای که سبزی در آن نباشد، غذا تناول نمی‌کنم؟ سبزی بیاور! احمد می‌گوید: آن جوان سبزی را خدمت امام علیه السلام آورد، آنگاه حضرت دست به طرف غذا دراز نموده، میل کردند و من نیز با ایشان غذا خوردم.<sup>۱</sup>

۱. مکارم الاخلاق، ص ۱۷۶.

## ۵. احترام نان

روایات زیادی از معصومین علیهم السلام در مورد لزوم نگهداشتن حرمت نان رسیده است. برای حفظ حرمت نان مصادیقی وجود دارد که به بخشی از آنها در ضمن بیان روایات اشاره می‌نماییم:

### الف) قرار نگرفتن نان زیر ظرف غذا

امام صادق علیه السلام سفارش فرمودند که نان را زیر کاسه غذا و ظرف قرار داده نشود.<sup>۱</sup>

### ب) عدم انتظار با آمدن نان

امام صادق علیه السلام فرمودند: نان را احترام کنید! از ایشان سؤال شد: چگونه به نان احترام بگذاریم؟ حضرت پاسخ دادند: وقتی نان [بر سر سفره] حاضر شد، منتظر چیز دیگری نمانید [و غذا را شروع کنید].<sup>۲</sup>

### ج) قطع نکردن نان با چاقو

از امام رضا علیه السلام نقل شده است که فرمودند: نان را با چاقو قطع نکنید؛ بلکه با دست آن را جدا کنید و پیرو

۱. «قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: لَا يُوَضَّعُ الرَّغِيفُ تَحْتَ الْقِضْعَةِ»؛ کافی، ج ۶، ص ۳۰۳.

۲. «قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: أَكْرِمُوا الْحُبْزَ! قِيلَ: وَمَا إِكْرَامُهُ؟ قَالَ عليه السلام: إِذَا وُضِعَ لَا يُنْتَظَرُ بِهِ عَيْزُهُ»؛ همان.

عجم نباشید.<sup>۱</sup>

عجم تنها به معنای غیر عرب نیست؛ بلکه دارای معانی متعدد می باشد. گمان می رود مقصود از عجم در این روایت، افرادی هستند که دور از تعالیم اسلامی باشند.

#### د) دور نریختن نان

از امام صادق ع نقل شده است که: روزی حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمودند: گرامی دارید نان را؛ زیرا برای فراهم شدن آن، زمین و آسمان و آنچه بین آن دو است، دخالت داشته و سبب گشته اند. سپس خطاب به جمع حاضر فرمودند: می خواهید ماجرای برای شما نقل کنم؟ عرض کردند: بلی یا رسول الله! پدران و مادران ما فدای شما باد. ایشان فرمود: پیغمبری پیش از این بود که او را «دانیال» می گفتند. او نانی را (به عنوان هدیه) به کشتیبانی تحویل داد. کشتیبان (از روی بی اعتنائی) آن را بر زمین انداخت و گفت: نان تو را می خواهم چه کنم؟! از این نان ها نزد ما فراوان و زیر دست و پا ریخته است و پامال می شود.

وقتی دانیال این عمل را از او دید، دست به سوی آسمان بلند کرد و گفت: خداوندا! نان را گرامی دار! دیدی

۱. «عَنْ أَبِي الْحَسَنِ الرِّضَا ع قَالَ: لَا تَقْطَعُوا الْخُبْزَ بِالسَّكِينِ وَلَكِنْ اكْسِرُوهُ بِالْيَدِ وَ خَالِقُوا الْعَجَمَ»؛ همان، ص ۳۰۴.

این مرد چه کرد و در حقّ نان چه گفت؟ خداوند وحی نمود به سوی آسمان که باران را از ایشان حبس کن، و نیز وحی نمود به سوی زمین که مانند سنگ سخت باش تا گیاهی از تو نروید.

در نتیجه، باران از ایشان قطع شد و به حدّی قحطی در میان ایشان به وجود آمد که یکدیگر را می خوردند؛ چرا که خداوند می خواست آنان را تأدیب نماید.

تا اینکه روزی دوزن - که هر کدام فرزندی داشتند - قرار گذاشتند که به نوبت هر کدام فرزند خود را بکشد و هر دو از آن بخورند. یک زن به وعده خود عمل کرد؛ ولی دیگری نه. زنی که با خلف و عد مواجه شده بود، شکایت به نزد حضرت دانیال علیه السلام آورد. ایشان فرمود: آیا کار به اینجا رسیده است که فرزند خود را می خورید؟! گفتند: بلی، ای پیغمبر خدا؛ بلکه اوضاع از این نیز بدتر شده است.

در این زمان دانیال نبی علیه السلام دست به سوی آسمان بلند کرد و گفت: خداوندا! فضل و رحمت خود را برگردان و مؤاخذه نکن! اطفال و بیچارگان را به گناه کشتیبان و امثال او که کفران نعمت کردند، عذاب نما.

آنگاه خدا به آسمان امر کرد که باران بر زمین بیارد و زمین که برای خلق من خیرات و برکاتی برویان که در این مدت از دست ایشان رفته است؛ زیرا به خاطر طفل

خُردسال بر آنها ترحم نمودم.<sup>۱</sup>

## ۶. جمع کردن غذای روی زمین

حسین بن معاویة بن وهب از پدرش نقل می‌کند که گفت: روزی ما در خدمت امام صادق علیه السلام غذا خوردیم. پس از جمع شدن سفره، مقداری غذا از آن افتاد. در این هنگام امام علیه السلام آنها را برداشته، تناول نمودند و فرمودند: این کار فقرا را از بین می‌برد و فرزندان را زیاد می‌کند.<sup>۲</sup>

## ۷. نان جو

امام رضا علیه السلام در اهمیّت نان جو فرمودند: برتری نان جو بر نان گندم، مانند برتری ما بر سایر مردم است. هیچ پیامبری نیست، مگر اینکه برای خوردن نان جو دعا کرده و خداوند آن را براو مبارک گردانیده است. نان جو داخل هیچ معده‌ای نشد، مگر اینکه دردی را از آن بیرون کرد، و آن غذای انبیا و طعام نیکان است. خداوند نخواسته است، مگر اینکه غذای پیامبران، جو باشد.<sup>۳</sup>

۱. همان، ص ۳۰۲؛ وسائل الشیعة، ج ۲۴، ص ۳۸۳.

۲. «عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مُعَاوِيَةَ بْنِ وَهْبٍ عَنْ أَبِيهِ قَالَ: أَكَلْنَا عِنْدَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام فَلَمَّا رُفِعَ الْخَوَانُ لَقَطَ مَا وَقَعَ مِنْهُ فَأَكَلَهُ ثُمَّ قَالَ لَنَا: إِنَّهُ يَنْفِي الْفَقْرَ وَيُكَثِّرُ الْوَلَدَ»؛ کافی، ج ۶، ص ۳۰۰.

۳. «عَنْ أَبِي الْحَسَنِ الرَّضَا علیه السلام قَالَ: فَضَّلْتُ حُبْنَ الشَّعِيرِ عَلَى الْبُرِّ كَفَضْلِنَا عَلَى النَّاسِ وَمَا مِنْ نَبِيٍّ إِلَّا وَقَدْ دَعَا لِأَكْلِ الشَّعِيرِ وَبَارَكَ عَلَيْهِ وَمَا دَخَلَ جَوْفًا إِلَّا



## ۸. منع تکیه دادن هنگام خوردن غذا

بشیر دهان [روغن فروش] از امام صادق علیه السلام سؤال کرد: آیا پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در حال غذا خوردن به طرف راست یا چپ تکیه می دادند؟ حضرت پاسخ داد: نه، هرگز پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در حال غذا خوردن به طرف راست یا چپ تکیه نمی دادند؛ بلکه مانند برده و عبد می نشستند. پرسیدم: چرا پیامبر خدا صلی الله علیه و آله چنین حالتی می نشستند؟ حضرت پاسخ دادند: به علت تواضع در برابر خداوند عزیز و بزرگ.<sup>۱</sup>

## ۹. منع حضور بر سفره شراب

هارون بن جهمی می گوید: با امام صادق علیه السلام در شهر حیره (شهری نزدیک کوفه در آن زمان) بودیم و در همان زمان منصور دوانیقی (دومین خلیفه عباسی) برای مراسم ختنه یکی از بزرگان حیره وارد آن شهر شده بود. امام صادق علیه السلام نیز یکی از دعوت شدگان در آن مراسم بودند. (سفره پهن شد؛) ولی در همان زمان که امام صادق علیه السلام و

---

وَ أَخْرَجَ كُلَّ دَاءٍ فِيهِ وَ هُوَ قَوْلُ الْأَنْبِيَاءِ وَ طَعَامُ الْأَبْرَارِ أَبِي اللَّهِ تَعَالَى أَنْ يَجْعَلَ قَوْلُ أَنْبِيَائِهِ إِلَّا شَعِيرًا؛ همان، ص ۳۰۴.

۱. «سَأَلَ بَشِيرُ الدَّهَّانُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: هَلْ كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله يَأْكُلُ مُتَّكِنًا عَلَى يَمِينِهِ وَ عَلَى بَسَارِهِ؟ فَقَالَ عليه السلام: مَا كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله يَأْكُلُ مُتَّكِنًا عَلَى يَمِينِهِ وَ لَا عَلَى بَسَارِهِ؛ وَلَكِنْ كَانَ يَجْلِسُ جَلْسَةَ الْعَبْدِ. قُلْتُ: وَ لِمَ ذَلِكَ؟ قَالَ عليه السلام: تَوَاضَعًا لِلَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ»؛ همان، ج ۱، ص ۲۷۲.

عده‌ای بر سر سفره بودند، مردی از آن میان آب خواست؛ اما برای او ظرفی آوردند که در آن شراب بود. همین که شراب در دست آن مرد قرار گرفت، امام صادق علیه السلام از سر سفره برخاستند. وقتی علت این کار امام علیه السلام سؤال شد، حضرت فرمودند: رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرموده‌اند: ملعون است کسی که بر سفره‌ای بنشیند که در آن شراب باشد.<sup>۱</sup>

### ۱۰. اجابت دعوت مؤمن

«عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: إِنَّ مِنْ حَقِّ الْمُسْلِمِ عَلَى الْمُسْلِمِ أَنْ يُجِيبَهُ إِذَا دَعَاهُ»<sup>۲</sup> (امام صادق علیه السلام فرمودند: از حقوق مسلمان بر مسلمان دیگر این است که وقتی او را دعوت می‌کند، بپذیرد).

### ۱۱. حضور بر طعام بدون دعوت

«عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: إِذَا دُعِيَ أَحَدُكُمْ إِلَى طَعَامٍ فَلَا يَسْتَتَبِعَنَّ وَلَكِنْ فَإِنَّهُ إِنْ فَعَلَ أَكَلَ حَرَامًا وَ دَخَلَ غَاصِبًا»<sup>۳</sup> (امام صادق علیه السلام فرمودند: وقتی یکی از شما به طعام دعوت می‌شود، فرزند خود را به همراه نبرد، و چنانچه

۱. همان، ص ۲۶۸؛ «وَفِي رِوَايَةٍ أُخْرَى مَلْعُونٌ مَلْعُونٌ مَنْ جَلَسَ طَائِعًا عَلَى مَائِدَةٍ يُشْرَبُ عَلَيْهَا الْخَمْرُ».

۲. همان، ج ۶، ص ۲۷۴.

۳. همان، ج ۶، ص ۲۷۰.

این کار را انجام دهد، عملی حرام و غاصبانه انجام داده است).

### ۱۲. ترک خوراکی‌های بو دار

ابا بصیر نقل می‌کند که از امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام در مورد سیر، پیاز و تره سؤال شد، حضرت پاسخ دادند: اشکال ندارد، چه آنها را به صورت خام بخورد یا پخته و نیز اشکال ندارد که برای علاج و مداوا از سیر استفاده کنند؛ ولی اگر کسی یکی از اینها را خورد، مسجد نرود.<sup>۱</sup>

### ۱۳. خلال کردن و مسواک زدن

امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام فرمودند: پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ به جعفر بن ابی طالب عَلَيْهِ السَّلَام وسیله خلال دادند و فرمودند: ای جعفر! خلال کن؛ زیرا خلال هم برای دهان [یا لثه] خوب است و هم سبب زیاد شدن روزی می‌گردد.<sup>۲</sup>

امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام نیز فرمودند:

۱. «عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَام قَالَ: سُئِلَ عَنْ أَكْلِ الثُّومِ وَالْبَصْلِ وَ الْكُرَّاثِ فَقَالَ لَا بَأْسَ بِأَكْلِهِ نَيْتًا وَ فِي الْقُدُورِ وَ لَا بَأْسَ بِأَنْ يُتَدَاوَى بِالثُّومِ وَ لَكِنْ إِذَا أَكَلَ ذَلِكَ أَحَدُكُمْ فَلَا يَخْرُجْ إِلَى الْمَسْجِدِ»؛ همان، ج ۱، ص ۳۷۵.

۲. «عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَام قَالَ: نَأْوَلَ النَّبِيُّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ جَعْفَرُ بْنُ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَام خَلَالَ فَقَالَ لَهُ: يَا جَعْفَرُ! تَخَلَّلْ فَإِنَّهُ مَصْلَحَةٌ لِلْقَسَمِ أَوْ قَالَ لِلنَّيَّةِ وَ مَجْلَبَةٌ لِلرِّزْقِ»؛

همان، ج ۶، ص ۳۷۶.

«رَكَعَتَانِ بِالسَّوَاكِ أَفْضَلُ مِنْ سَبْعِينَ رَكَعَةً بِغَيْرِ سَوَاكِ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ لَوْلَا أَنْ أَشَقَّ عَلَيَّ أُمَّتِي لِأَمْرَتُهُمْ بِالسَّوَاكِ مَعَ كُلِّ صَلَاةٍ»<sup>۱</sup> (دو رکعت نماز با مسواک بهتر است از هفتاد رکعت نماز بدون مسواک. آنگاه فرمودند: پیامبر خدا ﷺ فرمودند: اگر نبود که بر امت من مشقت داشت، دستور می‌دادم با هر نمازی یک بار مسواک کنند).

و آخر دعوینا ان الحمد لله رب العالمین

۱. همان، ج ۳، ص ۲۲.

## فهرست منابع

۲۱. قرآن کریم.
۲۲. امالی، محمد بن علی بن بابویه (شیخ صدوق، م ۳۸۱ق)، انتشارات اعلمی، تهران، ۱۴۰۰ق، ص ۲۷۰.
۲۳. بحار الانوار الجامعة لدرر اخبار الائمة الاطهار، محمدباقر مجلسی (۱۰۳۷ - ۱۱۱۰ق)، مؤسسه الوفاء، بیروت، ۱۴۰۴ق.
۲۴. تحریر الوسيلة، سید روح الله موسوی خمینی علیه السلام (م ۱۴۰۹ق)، مؤسسه دار العلم، قم، چاپ اول.
۲۵. ترجمه تحریر الوسيلة، علی اسلامی، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۲۵ق.
۲۶. توضیح المسائل، امام خمینی علیه السلام، ۱۴۲۶ق، چاپ اول.
۲۷. توضیح المسائل محشی، امام خمینی علیه السلام، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، قم،

- ۱۴۲۴، ج ۱، ص ۷۶.
۲۸. الخرائج و الجرائح، سعید بن عبد الله قطب الدین راوندی (م ۵۷۳ق)، مؤسسه امام مهدی علیه السلام، ۱۴۰۹ق.
۲۹. دلیل تحریر الوسيلة، علی اکبر سیفی مازندرانی، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه السلام، ۱۴۲۹ق.
۳۰. زیادة الاحکام، امام خمینی علیه السلام، انتشارات سازمان تبلیغات اسلامی، قم، ۱۴۰۴ق.
۳۱. الکافی، محمد بن یعقوب کلینی (م ۳۲۹ ق)، دار الکتب الاسلامیة، تهران، چاپ اول.
۳۲. اللمعة الدمشقية في فقه الإمامية، محمد بن مکی عاملی (شهید اول، ۷۸۶ق)، دار التراث - الدار الإسلامیة، چاپ اول.
۳۳. منتهی المطلب فی تحقیق المذهب، حسن بن یوسف بن مطهر حلی اسدی (م ۷۲۶ ق)، مجمع البحوث الاسلامیة، ۱۴۱۲ق، ج ۳، ص ۲۲۴.
۳۴. من لا یحضره الفقیه، محمد بن علی بن بابویه (شیخ صدوق، م ۳۸۱ ق)، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، قم، ۱۴۱۳ق.
۳۵. مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، میرزا حسین محدث نوری (م ۱۳۲۰ق)، مؤسسه آل البيت علیهم السلام، ۱۴۰۸ق.
۳۶. مجموعه ورام (تنبیہ الخواطر)، ورام بن ابی فراس (م ۶۰۵ ق)، مکتبه فقیه، چاپ اول.
۳۷. مکارم الأخلاق، رضی الدین حسن بن فضل طبرسی،

انتشارات شریف رضی، قم، ۱۴۱۲ق.

۳۸. نجات العباد، امام خمینی رحمته الله، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی رحمته الله، ۱۴۲۲ق.

۳۹. النهاية في مجرد الفقه والفتاوى، ابو جعفر محمد بن حسن شيخ طوسی (م ۴۶۰ق)، دار الكتب العربي، بيروت، ۱۴۰۰ق.

## عناوین در دست اقدام از مجموعه فقه و زندگی

مؤلف	موضوع
یوسف یاوری	احکام فرش و تابلو فرش
محمد ابراهیم امینی	احکام کیف و کفش و چرم
محمد ابراهیمی امینی	احکام احکام پوشاک
مجتبی بینا	احکام آژانس تلفنی
حسینعلی عرب انصاری	احکام ناشران
محمد رضا یاوری	احکام اتوبوسرانی و رانندگان
محمود صادقی	احکام صوتی و تصویری
ابراهیمی فرد	احکام نانویان
مجتبی عابدینی	احکام پرندگان و پرنده فروشان
محمود صادقی	احکام اینترنت و رایانه
سید محمد موسوی	احکام پارکها
الیاس صالحی	احکام عمومی اصناف
عرب انصاری	احکام قهوه‌خانه‌ها
الیاس صالحی	احکام الکتریکی
داوود طبرسا	احکام عطاری و داروهای گیاهی
محمود صادقی	احکام بازی‌های یارانه‌ای
مرتضی دائی چینی	احکام بیمه‌ها